اهل بيت ﻹ از منظر

محمد بن عبدالوهاب

و دعوتگران اهل نجد

**ترجمة كتاب: (الإمام محمد بن عبدالوهاب وأئمة الدعوة النجدية وموقفهم من آل البيت ﻹ)**

به قلم: خالد بن أحمد الزهراني

**بازنگری از: شيخ علوى بن عبد القادر سقاف**

# ترجمه:

# إسحاق بن عبدالله العوضى

# چاپ اول 1429/1387هـ

شناسنامه كتاب

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| نام كتاب: |  | اهل بيت از منظر محمد بن عبدالوهاب و دعوتگران اهل نجد |
| نويسنده: |  | خالد بن أحمد الزهراني |
| ترجمه |  | اسحاق بن عبدالله دبيري العوضي |
| ناشر: |  | انتشارات حقيقت |
| تيراژ: |  | 15.000 |
| سال چاپ: |  | 1387هـ. ش برابر باذوالحجه 1429هـ. ق |
| نوبت چاپ: |  | اول |
| آدرس ايميل: |  | [En\_Haghighat@yahoo.com](mailto:En_Haghighat@yahoo.com) |
| سايتهاى مفيد: |  | [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com/) |
|  | [www.ahlesonnat.net](http://www.ahlesonnat.net/) |
|  | [www.isl.org.uk](http://www.isl.org.uk/) |
|  | [www.islamtape.com](http://www.islamtape.com/) |

فهرست مطالب

| م | عنوان | ص |
| --- | --- | --- |
|  | پیشگفتار | 6 |
|  | مقدمه | 9 |
|  | انگیزه نوشتن این رساله | 10 |
|  | محمد بن عبدالوهاب کیست؟ | 14 |
|  | اندکی تأمل و تحقیق | 17 |
|  | فرزندانش را با نامهای اهل بیت ﻹ نامگذاری مى‏كند | 21 |
|  | وصایايی مربوط به‌ کتاب خدا و اهل بیت پیامبر ص | 22 |
|  | پایمال کردن حقوق اهل بیت افراط است | 25 |
|  | اهل بیت شایسته‌ی هر فضیلتی را دارند | 26 |
|  | وجوب صلوات بر پیامبر ص و اهل بیت در هر نمازی | 28 |
|  | براى خاندان پیامبر ص بر امت حقوقی است كه هيچ كس با آنان شريك نخواهد شد وآنان اين شایستگی و نهایت محبت و دلسوزی را دارند كه براى ديگران چنين نيست | 30 |
|  | دادن لقب مرتضی به علی و اعتقاد به‌ اینکه‌ ایشان بزرگترین یار پیامبر ص می‌باشند | 31 |
|  | شهادت حسین در روز عاشوراء کرامتی از جانب خدا بود | 32 |
|  | این روایت حاوی فضیلت بزرگی برای علی می‌باشد | 36 |
|  | حدیث دیگری راجع به‌ فضیلت علی | 38 |
|  | فضیلتی بزرگ برای فاطمه زهرا ك پاره تن رسول اکرم ص | 38 |
|  | فاطمه زهرا ك سرور زنان جهان | 38 |
|  | نکوهش کسانی که نسب اهل بیت را از جهت حسن انکار مى‏كنند و آنها را دشمنان اهل بیت توصیف مى‏نماید | 39 |
|  | توصيف حسن بن علی به اینکه او سید است و خداوند به وسیله او بین دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح برقرار مى‏كند | 40 |
|  | تنزیه اهل بیت ﻹ از قبایح و زشتیها | 41 |
|  | حق از علی بن ابی طالب و یارانش نزدیکتر بود تا به‌ معاویه و یارانش | 43 |
|  | علاقه شدید صحابه به دامادی پیامبر ص | 44 |
|  | نواصب بد ذات، جاهل و ظالم هستند | 44 |
|  | موضع دعوتگران سلفی در برابر اهل بیت ﻹ | 45 |
|  | کسی که‌ به‌ کتاب خدا، سنت پیامبر ص و روش اهل بیت دست آویزد در دنیا و آخرت گمراه نخواهد شد | 45 |
|  | بدون شک قرآن و سنت پیامبر ص خواهان محبت و مودت اهل بیت هستند | 49 |
|  | محبت علی نشانه‌ی ایمان و نفرت از او نشانه‌ی نفاق است | 59 |
|  | اهل مدینه‌ و اهل بیت ﻹ گردانندگان سنت می‌باشند | 60 |
|  | راجع به‌ فضائل اهل بیت احادیث بسیاری به‌ درجه‌ صحت رسیده | 62 |
|  | علی خلیفه‌ی چهارم از خلفای راشدین می‌باشد | 62 |
|  | محبت اهل بیت از چند طریق واجب است | 64 |
|  | محبت اهل بیت واجب است بیشتر از سایر مسلمانان باشد | 65 |
|  | استفاده‌ از دو کلمه‌ی «سید» و «شریف» برای منتسبین به‌ اهل بیت | 66 |
|  | فضیلت علی و مناقب فراوان او | 69 |
|  | فاطمه‌ ‘ از زنان کامل و سید زنان بهشت است | 70 |
|  | علی بن ابی‌طالب بزرگترین هدایت دهنده‌ است | 71 |
|  | شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش خاندان پیامبر ص را دوست دارند و محبت آنها را وسیله‌ی تقرب به‌ خدا قرار می‌دهند | 72 |
|  | محبت اهل بیت پیامبر ص یکی از اصول اهل سنت و جماعت است | 76 |
|  | کتابی راجع به‌ فضیلت و دانش اهل بیت ﻹ | 83 |
|  | علی، فاطمه‌، حسن و حسین ﻹ فاضل‌ترین اهل بیت می‌باشند | 84 |
|  | علی بن ابی‌طالب عاقل‌ترین، ماهر‌ترین، داناترین و حافظ‌ترین اصحاب است | 85 |
|  | کسانی که‌ علی را دوست دارند اهل سنت و جماعت می‌باشند | 88 |
|  | خاتمه | 67 |

# 3

# پیشگفتار

الحمد لله‌ رب العالمین، والصلاة والسلام على خیر خلق الله‌ أجمعین، نبینا وحبیبنا وقرة أعیننا محمد بن عبدالله‌ القائل: «أذکرکم الله‌ في أهل بیتي، أذکرکم الله‌ في أهل بیتي، أذکرکم الله‌ في أهل بیتي» وعلی آله‌ وصحبه‌ أجمعین.

خداوند، محبت و موالات و تقدیر از اهل بیت پیامبر ص را بر مسلمانان فرض و واجب گردانیده‌ است؛ اما متأسفانه‌ مردم راجع به‌ این قضیه‌ به‌ دو دسته‌ تقسیم شده‌اند: افراط‌گرایانی که‌ مقام و منزلتی والاتر از مقام و منزل واقعی را به‌ اهل بیت داده‌اند و آنها را از صفات بشری بیرون آورده‌ و صفات پروردگار ازلی و ابدی را به‌ آنها داده‌اند؛ اینها مدعی هستند که‌ نسبت به‌ اهل بیت محبت می‌ورزند، اما چه‌ بسا این محبت آنها را به‌ درجه‌ نفرت از سایر اصحاب ن رسانیده‌ است.

و دسته‌ی دوم تفریط‌گرایانی هستند که‌ نسبت به‌ اهل بیت نفرت می‌ورزند، اینها از مقام اهل بیت کاسته‌ و در حق آنها گستاخی می‌نمایند.

خداوند در این میان اهل سنت و جماعت را به‌ دیدگاهی میانه‌ هدایت داد: آنان نسبت به‌ اهل بیت محبت و دوستی را اعلام کردند و وصیت پیامبر ص راجع به‌ آنها را پیروی نمودند و در حق آنها از افراط و تفریط دوری گزیدند و آن را به‌ عنوان اصلی از اصول دینشان قرار دادند و آن را در عقیده‌ و بینش خود جایی دادند. و از جمله‌ی این افراد شیخ الاسلام ابن تیمیه‌ : است که‌ در عقیده‌ - مشهور به‌ وسطیت- خود بیان داشته‌: از جمله‌ اصول اهل سنت و جماعت این است که‌ اهل بیت پیامبر ص را دوست دارند و آنها را همانند ولی و سرپرست خود تلقی می‌نمایند و وصیت پیامبر ص راجع به‌ آنها را پیروی می‌نمایند.

لازم به‌ ذکر است که‌ افراط‌گرایان تمامی مخالفین خود را متهم کرده‌اند که:‌ نسبت به‌ اهل بیت دچار کینه‌ و دشمنی شده‌اند و پیامبر ص را دوست ندارند. و از جمله‌ کسانی که‌ در حد وسیعی با این گونه‌ تهمتهای باطل مواجه‌ شده‌ شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش می‌باشند. از این رو خداوند جهت ابطال این افترا شخصیتی همانند خالد الزهرانی را برگزید تا از ضمن کتابهایشان اقوال راجع به‌ اهل بیت را گردآوری نماید و آنها را از این تهمت ناروا تبرئه‌ نماید، ایشان تمامی اقوال آنها راجع به‌ محبت و موالات اهل بیت را گردآوری نموده‌ و بیان داشته‌ که‌ محبت اهل بیت از منظر آنها به‌ عنوان اصلی از اصول عقیده‌ محسوب می‌باشد، ایشان جای هیچ‌گونه‌ سخنی را برای افترا‌گرایان جا نگذاشته‌ و هر آنچه‌ نقل نموده‌ با اشاره‌ به‌ جلد و شماره‌ صفحه‌ی کتاب سخن خود را تقویت نموده‌ است.

از خداوند خواهانم که‌ در برابر این عمل نیک و وارسته‌ او را از خیر و پاداش بهره‌مند گرداند. وصلی الله‌ علی نبینا محمد وعلی آله‌ وصحبه‌ وسلم.

به‌ قلم: علوی بن عبدالقادر السقاف

# مقدمه‌

سپاس خدایي را که پیامبرش محمد ص را همراه با آئین راستین فرستاده‌ تا آن را بر همه‌ی آئینهای دیگر چیره‌ گرداند، هر چند مشرکان دوست نداشته‌ باشند، و به‌ وسیله‌ی قرآن، او و یاران بزرگوارش و خاندان پاک ایشان را - که خداوند پلیدی را از آنها زدود و آنها را پاکیزه گرداند- یاری داد و تثبیت نمود.

آن‌گونه سزاوار شأن و عظمت اوست به‌ ستایش وی می‌پردازم. و از او می‌خواهم که‌ رحمت و برکت خویش را تا روز قیامت بر پیامبر و خاندان هدایتگرش و یاران خجسته و همسرانش (امهات المؤمنین) و بر کسانی که از سنت و هدایت آنها تبعیت کردند و آثارشان را برگزیدند، نازل فرماید.

شهادت مى‏دهم که جز «الله» هیچ معبودى بحق، فرمانروا و فریادرسی وجود ندارد. تا که به وسیله آن، در روزی پیروزی را به‌ چنگ آورم که اموال و اولاد سودی نمی‌رساند، و تنها کسی که‌ با دل سالم به پیشگاه خدا آمده باشد نجات پیدا می‌کند، و شهادت مى‏دهم که محمد فرستاده، دوست و برگزیده اوست، تا که به وسیله‌ آن، در روز قیامت مورد شفاعتش واقع شوم. اما بعد،،،

انگیزه نوشتن این رساله

پیگیری آنچه‌ در مورد بزرگان سرشناسی نوشته‌ شده‌ که شهرتشان به آفاق رسیده است،- اما برخی از حال ایشان آگاه بوده و دیگران ناآگاه مانده‏اند- به‌ ما می‌آموزد که از جمله بارزترین این اشخاص شیخ محمد بن عبدالوهاب : است؛ آن بزرگواری که نویسندگان بسیاری در مورد زندگی‌نامه‌ی وی قلم فرسایی کرده‌اند؛ در این میان کسانی بوده‌اند که‌ به‌ نحو شایسته‌ای دعوت و منهج او و پیروانش را بیان کرده‌، و کسانی نیز از روی عمد به او دروغ بسته‏اند و بی ادبی كرده‏اند و اتهاماتی را به او نسبت داده‏اند؛ لازم به‌ ذکر است که‌ کمترین ویژگی افترا‌گرایان این است که‌ نسبت به حال او بی اطلاع بوده و در مسائل و بحث‏های بسیاری تنها نقل قول کرده‌اند.... از جمله موضع ایشان در برابر اهل بیت ن.

اینجا بود که در نوشتن رساله‏اى مورد اعتماد، پیش خداوند استخاره کردم تا از لابه‌لای کتابها و رساله‏هاى مخصوص ایشان موضع این شیخ اصلاحگر و نوه‏ها و اتباع ايشان در برابر اهل بیت ن مشخص سازد تا ببینند که شیخ عنایت بیش از حدی نسبت به این زمینه داشته است، چون حقیقتاً نوشته‏ها و تألیفات ایشان (محمد بن عبدالوهاب) شاهد مطمئنی بر اعتقاد او درباره اهل بیت پیامبر ص است.

لازم به‌ ذکر است که‌ پاره‌ای از سخنان شیخ و پسرانش و نوه‌هايش و پیروانش را آورده‌ام تا این عقیده‌ - که‌ به‌ کتاب خدا و سنت پیامبر ص و فهم سلف صالح استناد نموده‌- میان پیروان این دعوت شایع گردد.

برای نوشتن این رساله خلاصه‏نویسی و عدم اطناب را برگزیدم، زیرا مسأله‌ بسیار واضح و آشکار است و شیخ از امامان اهل سنت و جماعتی است که خاندان پیامبر ص را دوست دارند و نسبت به حقوق و منزلتشان واقف هستند.

خواننده گرامی را آگاه مى‏سازم که من به خاطر اختصار و عدم بساط از نقل بسیاری از سخنان ایشان در خصوص اهل بیت صرف نظر كرده‏ام و در اینجا به‌ ذکر سه‌ نمونه‌ از کتابهای شیخ محمد بن عبدالوهاب اکتفا می‌نمایم:

نخست: ذکر اهل بیت ن در هنگام صلوات و درود فرستادن بر رسول اکرم ص به عنوان مثال به نمونه‌‌های زیر مراجعه‌ فرمائید: (کشف الشبهات: 1/181)، (کتاب التوحید: 1/151), و (فضل الإسلام: 1/267) و (مفید المستفيد: 1/325) و بسیاری از سخنرانی‌های ایشان، از جمله‌: (ص: 5، 7، 10، 11، 13، 16، 18، 21، 29، 37 ...) و غير از اينها.

دوم: هر وقت که از اهل بیت یا یکی از آنها سخن می‌راند براى آنها طلب رضایت و ترحم می‌نماید.

به عنوان مثال تنها به‌ صفحات ارائه‌ شده‌ی کتاب زیر نگاه کن (التوحید: ص: 20، 22، 35، 56، 64، 74، 82، 88، 93، 95، 112، 149 ...).

اینها تنها در كتابچه‏اى کوچک از کتابهای ایشان است، چه برسد به سایر کتابهای ایشان ؟!!

سوم: جاهای بسیاری در کتابهای ایشان هست که در آن اختیارات فقهای اهل بیت و مجتهدین بزرگشان را در شاخه‏هاى شرعی و فقهی ذکر کرده است.

به عنوان مثال: در کتاب (مختصر الإنصاف)، کتاب الزکاة (1/227) و کتاب الصیام (1/255) و باب إحرام (1/279) و باب قربانی و ذبح (1/352).

همچنین کتاب مناسک قسمت حدیث (مسأله 113)، (3/47)، وباب حد مسکر و تعزیر قسمت حدیث (مسأله 1756)، (4/242).

و کسی که بخواهد به آنها دست یابد، باید به صورت کلی کتابهایش را مطالعه کند، آنگاه در خواهد یافت که نمى‏تواند آن را شمارش كند، خدا خيرشان بدهد.

در نقل قول از این بزرگوار به‌ مجموع نوشته‌های ایشان از انتشارات دانشگاه امام محمد بن سعود اسلامى ‏در ریاض اعتماد کردم.

اما سایر اقوالی که‌ از غير ايشان بوده با ذکر منبع و ذکر صفحات آورده‌ام.

در اینجا لازم است که‌ از استاد مهربانم «سيد علوي بن عبدالقادر سقاف» كه وقت گرانبهاى خود را براى بازنگری اين كتاب صرف كرده تشکر كنم.

از خداوند منان برای ايشان در خواست اجر و ثواب را دارم.

خالد بن أحمد زهرانی

# محمد بن عبدالوهاب کیست؟

محمد بن عبدالوهاب اصطلاحگری است که در دل شبه جزیره عربستان چشم به جهان گشود. آنگاه که‌ مردم آن دیار در تاریکی تمام و دوری از کتاب خداوند و سنت رسولش ص زندگى مى‏كردند، گروهى درختان را مى‏خواندند و گروهى دیگر از سنگها چیزهایی را درخواست مى‏كردند که فقط از خداوند غفار درخواست مى‏شود. ظلم و قتل و غارت در بین قبایل شایع شده بود. قوی، ضعیف را چپاول می‏کرد. و بزرگان بر ناتوانان چیره‌ بودند. و ثروتمند به فقیر ظلم مى‏كرد. آری به راستی که‌ دین با غربت روبرو شده‌ بود.

با این وضع جاری در شبه جزیره و اطراف آن در سال (1115هـ.ق) به دنیا آمد و به این ترتیب در خانه‏ی علم و دین نشأت گرفت. او به دنبال علم رفت و از نجد به مکه سپس، مدینه نبوی آنگاه به بصره سفر کرد، و مدتی را در آنجا اقامت گزید تا در خدمت علمای آنجا بر علمش بیفزاید به گونه‏ای که شخصیت علمیش تکوین پیدا کرد، و تجربه‏هایی را کسب نمود، و ملاقات مردم سرزمینهای مختلف در برداشتن حق و دفاع از آن به او قوت بخشید.

در بصره ابتدا از افعال شرک‌آمیز توده‌ی مردم و سکوت علما انتقاد كرد، یکی از استادانش به نام شیخ مجموعی او را به‌ خاطر این کار تحسین نمود. گفته ‌شده‌ که‌ شیخ کتاب «توحید» را برای مردم عامی و بی‌سواد بصره نوشت. و بنا به قولی آن را در شهر حریملاء بعد از آمدنش از بصره تألیف کرده‌ است.

اما به دلیل شدت غربت دین در آنجا و شدت دوری مردم از منابع اصلی دین بسیاری از مردم عام و خاص در برابر او جبهه‌گیری کردند، و به شدت او را مورد اذیت و آزار قرار دادند و در گرمای نیمروز تابستان، تنها و پیاده او را از بصره بیرون كردند، پس به‌ طرف «زبیر» حرکت نمود، و برای تمام کردن علمش راهي شام شد، اما بضاعت مالی او را از رفتن به آنجا منصرف کرد. به همین خاطر آهنگ رفتن به أحساء را کرد و پیش علمای آنجا سکنی گزید و در ضیافت شیخ عبدالله بن محمد بن عبداللطیف أحسائی شافعی با بزرگمردان فرهیخته‌ آنجا آشنا شد.

بعد از این سفر سخت و دوری از وطن و پدرش به نجد بازگشت و از نو به خواندن کتابهای تفسیر، عقیده و حدیث شروع کرد، جمع‌آوری این اطلاعات ذهنی باز، فکری روشن و فهمی صحیح را به‌ شیخ بخشید، و او را به‌ عنوان حق‌گرا و دور از تقلید و جمود فکری درآورد، طوری که‌ تنها مراجع صحیح و منابع اولی دین را دنبال می‌کرد.

سپس به‌ امر دعوت به سوی خدا و تصحیح نشانه‌های دین خالص و توحید پاک قدم برداشت؛ هدف وی از این کار برگرداندن مردم به عقیده خالي از شرک و توحید خداوند آسمانها و زمین بود.

او با مخالفت شدید و آزار و اذیت زیاد دشمنانش مواجه شد، اما تمام اینها او را از عزم راسخ و تصمیمات قاطعش منصرف نکرد و او را از هدفش باز نداشت، او نیز همانند سایر دعوتگران اصلاحگری که بر خط مشی سیدالأنبیاء و المرسلین محمد بن عبدالله ص گام نهاده‌اند پابرجایی و پایداری را پیشه‌ نمود.

و بعد از یک زندگی پر از علم و دعوت در سال (1206هـ) به رحمت ایزدی پیوست. خداوند رحمت واسع خود را شامل حالش گرداند و او و تمام مؤمنان را ببخشاید.

# اندکی تأمل و تحقیق

این بود زندگی نامه‌ی این شیخ بزرگوار از زبان همنشینان و کسانی که آگاه‌ترین مردم به حال ایشان بودند؛ اما همچنانکه بیان کردیم هر مصلح و اصلاحگری، دشمنان و بد خواهانی دارد، از پیامبران گرفته تا سایر دعوتگران که چون چیزی بر خلاف واقعیت قوم و هم عصرانش آورده‌اند با انواع اذیت و آزار روبرو شده‌اند، و دشمنان و بدخواهانش او را از یک کمان نشانه‌ کردند و آماج تیرهای خود قرار دادند، اما در برابر وی نیزه‌ و تیر شکست خوردند و او پایدار ماند؛ شاعر چه نیکو سروده است:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| کناطح صخرة یوما لیوهنها |  | فلم یضرها وأوهی قرنه الوعل |

(همچو شاخ‌زن به صخره که روزی مى‏خواست آن را ضعیف کند، اما بی‌فایده بود و شاخ خودش ضعیف و نابود مى‏شد).

خداوند، بر مقامش افزود و دشمنان و کینه‌توزانش را رسوا ونابود گرداند، تمام جهان «محمد بن عبدالوهاب» را مى‏شناسد، ولی چه کسی ابن جرجیس یا ابن داود زبیری یا قبانی یا لکنهوری يا نبهانى و ... را می‌شناسد.

علی رغم تمامی این افترائات و کینه‌توزیها، شیخ همانند نشانه‌ی هدایت و مجدد قضایای دینی در این عصر باقی ماند، چه راست گفت خداوند والا مرتبه: ﭽ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽﭼ (الرعد: ١٧). «خداوند، حق و باطل را چنين مثل مى‏زند!- اما كفها به بيرون پرتاب مى‏شوند، ولى ‏آنچه به مردم سود مى‏رساند (آب يا فلز خالص) در زمين مى‏ماند; خداوند اينچنين مثال مى‏زند».

بنابر این خواننده گرامی باید بداند که هر یک از دشمنان گمراه که در مورد این شیخ مطلبی نوشته‌اند، صاحبان منافع شخصي و مناصب دنیوی بوده‌اند و در دروغ و بهتان به او و اشاعه تبلیغات منفی و منزجرکننده بر علیه او هم آهنگ بوده‏اند، و کسانی نیز که بعد از آنان آمده‌اند به‌ تقلید از اجدادشان امام را نکوهیده‌اند، بدون اینکه‌ به نوشته‏ها، کتابها، اقوال و مقاله‌‌هایش مراجعه‌ کنند و از هرگونه‌ دروغ و افترائی نسبت به این مصلح و اصلاحگر واقف شوند، چون این همان منهج علمی حقیقی است برای کسی که بخواهد اعتقاد و اقوال دیگران را بشناسد.

قبل از شروع به نقل اقوال ایشان در رابطه با اهل بیت ن امری را که چه بسا برخی آن را دو پهلو و مشکوک پنداشته‌اند، یادآور مى‏شویم و آن این است که چرا شیخ در رابطه با اهل بیت و جایگاه و منزلتشان نوشته‌ای جداگانه نداشته‌اند؟ به امید توفیق اینگونه پاسخ مى‏دهیم که:

اولاً: در عصر شیخ - به دلیل عدم آگاهی از کتاب خدا و سنت رسولش و عدم فهم صحیح مردم- قضایایی از قبیل خواندن غیر خدا، پناه بردن به اولیا و صالحین و عبادت قبرها رایج بود، و دشمنی و معاندت با اهل بیت در روزگار او چنان شایع نبوده‌ است، بنابر این در مورد چیزهایی که او را آزار مى‏داد از قبیل دوری از حقیقت توحید و عدم شناخت شرک به‌ نوشتن و کتابت پرداخت.

ثانیاً: شیخ : از اهل سنت و همکار جماعتی بود که از حقوق خاندان پیامبر ص اطلاع کافی داشتند و از اقوال امامانشان فضایل آنها را در کتابهایش نقل می‌کردند.

در صحیحین و در سنن و مسانید و همچنین در کتابهاي فضایل اصحاب، فضایل اهل بیت وجود دارد، و این کتابها در بیان اعتقاد شیخ در رابطه با آنچه که از رسول الله ص صحیح باشد مورد اعتماد ایشان بود.

ثالثاً: لازم نیست که هر دانشمندی ‏در رابطه‌ با فضایل اهل بیت کتابی را تألیف کند، تا از اهل سنت و جماعت محسوب شود! زیرا اینک افرادی همچون نووی، ابن حجر و بسیاری دیگر هستند که هیچ یک از آنها در مورد اهل بیت تألیف مستقلی را ندارند؛ و هیچ یک از ائمه‌ی چهارگانه‌ (ابوحنیفه‌، مالک، شافعی و امام احمد -رحمهم الله‌-) در خصوص اهل بیت چیزی را به‌ نگارش در نیاورده‌اند.

اکنون به نقل متونی از اقوال شیخ راجع به‌ بیان محبت او نسبت به اهل بیت رسول الله ص می‌پردازیم، لازم به‌ یادآوری است که‌ این اقوال را در عناوین قرار داده‌ام تا فهم متون و ترتیب افکار برای خواننده آسان گردد و با استعانت از خداوند سخن ر ا آغاز مى‏كنم.

# فرزندانش را با نامهای اهل بیت ﻹ نامگذاری مى‏كند

شکی نیست که هر عاقلی فرزندانش را جز به نام کسانی که آنها را دوست دارد نامگذاری نمى‏كند، به عبارتی واضح‌تر شخص عاقل فرزندانش را با نام کسانی که از آنها متنفر است نامگذاری نمى‏كند!([[1]](#footnote-1)).

اینجاست که شیخ محمد بن عبدالوهاب پسر بزرگش را علی و دخترش را فاطمه و دو تن از پسرانش را حسن و حسین نامیده است([[2]](#footnote-2)). چه‌ اسم و مسمای زیبا و نیکویی!! چرا که آنها خاندان پیامبر ص هستند.

همچنانکه‌ هر عاقلی تنها کنیه‌ای را برای خود انتخاب می‌کند که‌ دوست داشتنی و محبوب وی واقع شده‌ باشند؛ امام محمد بن عبدالوهاب کنیه‌ی ابوحسین را برای خود انتخاب کرده‌ بود.

این به‌ چه‌ معنی است؟ و بر چه‌ چیزی دلالت دارد؟

این بیانگر نهایت محبت شیخ نسبت به‌ اهل بیت ‡ می‌باشد.

پس آیا کسی مى‏تواند گستاخی کند و بگوید که محمد بن عبدالوهاب، با اهل بیت ‡ سر دشمنی و عداوت را دارد؟

# وصایايی مربوط به‌ کتاب خدا و اهل بیت پیامبر ص

ایشان در کتاب «فضل الإسلام»([[3]](#footnote-3)) مى‏گوید: خداوند فرموده: ﭽﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰﭼ (الأعراف: ٣). «از چيزى كه از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده، پيروى كنيد! و از اوليا و معبودهاى ديگر جز او، پيروى نكنيد! اما كمتر متذكر مى‏شويد».

از زید بن ارقم روایت شده است که رسول خدا ص خطبه‌ای خواند و بعد از حمد و ستایش خداوند فرمود: «أما بعد ألا أیها الناس فإنّما أنا بشر یوشک أن یأتیني رسول ربّي فأجیب، وأنا تارکُ فیکم ثقلین: أولهما: کتاب الله فیه الهدى والنور ؛ فخذوا بکتاب الله وتمسکوا به. فحث على کتاب الله ورغب فیه، ثمَّ قال: وأهل بیتي».

و در روایتی دیگر: «کتاب الله هو حبل الله المتین، مَن اتَّبَعه کان على الهدى، ومَن ترکه کان على الضلالة»([[4]](#footnote-4)).

(اما بعد ای مردم! لازم است بدانید که‌ من بشر هستم و نزدیک است که فرستاده خدایم پیشم بیاید و او را اجابت کنم و من در میان شما دو چیز گرانقدر را به جا مى‏گذارم: یکی قرآن که در آن هدایت و نور است، قرآن را بگیرید و به آن تمسک جویید (و بر قرآن پافشاری کرد و به آن رغبت نشان داد) آنگاه گفت: و اهل بیتم، و در روایتی دیگر (کتاب خداوند که ریسمان محکم خداوند است، هر کس از آن تبعیت کند بر هدایت است و هر کس آن را ترک کند بر گمراهی است).

و نیز در کتاب «فضائل القرآن:1, 22» باب (کسی که هدایت را از غیر قرآن طلب کند) مى‏گوید:

خداوند عزّوجل مى‏فرماید: ﭽ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭼ (الزخرف: ٣٦).

«و هر كس از ياد خدا روى‏گردان شود شيطان را به سراغ او مي‌فرستيم پس همواره قرين اوست».

و در آیه دیگر مى‏فرماید: ﭽ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴﭼ (النحل: ٨٩).

«و ما اين كتاب را بر تو نازل كرديم كه بيانگر همه چيز، و مايه هدايت و رحمت و بشارت براى مسلمانان است».

و از زید بن ارقم روایت شده که گفت: «قام فینا رسول الله ص خطیباً بماء یدعى: خماً فحمد الله وأثنى علیه وواعظ وذکّر ثمّ قال: أما بعد: أیها الناس إنما أنا بشر مثلکم یوشک أن یأتي رسول من ربّي فأجیب وأنا تارک فیکم الثقلین أولهما: کتاب الله فیه الهدى والنور فخذوا بکتاب الله واستمسکوا به. فحث على کتاب الله ورغب فیه ثمّ قال: وأهل بیتي أذکر کم الله في أهل بیتي».

(رسول خدا ص در مکانی به‌ اسم «خم» به عنوان خطیب بلند شدند و خدا را حمد و ثنا گفتند و پند و اندرز دادند سپس فرمودند: ای مردم! من بشری همچون شما هستم و نزدیک است که رسولی از جانب پروردگارم پیش من بیاید و من او را اجابت کنم (بمیرم) و من در میان شما دو چیز گرانقدر به جای مى‏گذارم: یکی قرآن که در آن هدایت و نور است، قرآن را بگیرید و به آن تمسک جویید (و بر قرآن پافشاری کرد و به آن تشویق نمود) آنگاه گفت: و اهل بیتم، خدا را یادآور مى‏شوم که مراقب اهل بیتم باشید).

اینچنین است که‌ شیخ : بنا به وصیت رسول خدا به قرآن کریم تمسک می‌جوید و آن را در کنار وصیتش به اهل بیت ذکر می‌نماید: و این بیانگر آن است که‌ شیخ : تمسک به هدایت و روایات صحیح از اهل بیت هیچ‌‏گونه‌ مخالفت و تضادي با قرآن کریم ندارد، بلکه آنها تنها کسانی هستند که‌ بطور کامل قرآن کریم را در زندگانی خود به‌ نمایش در آورده‌اند.

# پایمال کردن حقوق اهل بیت افراط است

شیخ : بعضی از پیروانش را سرزنش کرد، آنگاه که‌ اطلاع یافت آنها بوسیدن دست یکی از بزرگان منسوب به اهل بیت و پوشیدن لباس سبز رنگ وی را نکوهیده‌ بودند، همچنانکه در «الرسائل الشخصیه: 1/284» آمده ایشان می‌فرمایند:

از شما برایم نقل شده که بعضی از برادران در مورد عبدالمحسن شریف صحبت رانده‌ و بدو گفته‌: مردم احساء دوست دارند دستت را ببوسند در حالی که تو عمامه سبزی پوشیده‌ای. لازم است بدانید که‌ انکار هر چیزی تنها بعد از آگاهی جایز است. و نخستین مرحله‌ی انکار این است که تو از مخالفت آن قضیه‌ با امر خداوند آگاهی داشته‌ باشی، اما انکار چیزی مثل بوسیدن دست، جایز نیست، زیرا این مسأله‌ای است که علما در مورد آن اختلاف نظر دارند، زید بن ثابت دست ابن عباس را می‌بوسيد و می‌گفت: به ما امر شده که اینچنین با اهل بیت پیامبرمان رفتار کنیم، به هر حال برای آنها جایز نیست که قضایایی را انکار نمایند که حکم خداوند در مورد آن را نمى‏دانند؛ و اما پوشیدن لباس سبز برای جدا کردن اهل بیت چیزی است که از قدیم وجود داشته‌ تا کسی به آنها ظلم نکند، یا کسانی که آنها را نمى‏شناسند در حقشان کوتاهی نکنند، و خداوند به نفع اهل بیت رسول خدا ص حقوقی را بر مردم واجب کرده است، و برای شخص مسلمان جایز نیست که حق آنان را پایمال نماید، و گمان کند که این توحید است! خیر بلکه این افراط است...).

# اهل بیت شایسته‌ی هر فضیلتی خستند و اين بر خوبي اصل آنهاست و اينكه پيامبر ص از آنان است

ایشان مى‏گویند([[5]](#footnote-5)): بر هر یک از ما و شما واجب است که علم و دانشش را در راه رضایت خدا و یاری رسولش صرف نماید، چون که خداوند متعال فرموده است: ﭽ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭﭼ (آل عمران: ٨١).

«و (به خاطر بياوريد) هنگامى را كه خداوند، از پيامبران (و پيروان آنها)،پيمان مؤكد گرفت، كه هرگاه كتاب و دانش به شما دادم، سپس پيامبرى به سوى شما آمد كه آنچه را با شماست تصديق مى‏كند، به او ايمان بياوريد و او را يارى كنيد».

وقتی که خدای سبحان از انبیاء پیمان گرفته است که اگر به محمد ص رسیدند به او ایمان بیاورند و یاریش کنند، پس ای امت پیامبر! ما باید چگونه باشیم؟ بنابر این لازم است هم به او ایمان بیاوریم و هم او را یاری نماییم، و انجام یکی بدون دیگری کافی نیست، و لازم است بدانیم که‌ شایسته‌ترین و برترین مردم اهل بیتی است که خداوند، پیامبر ما را از میان آنان مبعوث کرده و آنها را بر مردم دنیا برتری داده است، شایسته‌ترین اهل بیت به اين امر نسل رسول اکرم ص هستند.

ایشان در اینجا بیان مى‏كند که خداوند رسولش را که اساس اهل بیت است مبعوث کرده و اهل بیتش را بر تمام مردم دنیا برتری داده است و در این رساله وقتی آنها را مورد خطاب قرار مى‏دهد، وجود گروهی از اهل بیت نبوت را در عصر خود اثبات مى‏كند، نه آنگونه که دشمنانش گمان مى‏كنند که او وجود آنها را انکار مى‏كند و معتقد است نسب پیامبر ص قطع شده است.

# وجوب صلوات بر پیامبر ص و اهل بیت در هر نمازی

در رساله‌ی موسوم به‌ «شرایط و ارکان و واجبات نماز: 1/11» و در عموم رساله‏هایش در حین ذکر صفت صلوات ابراهیمی چنین آمده است: «اللّهمّ صلّ علی محمد وعلی آل محمد کما صلّیت علی إبراهیم إنّک حمید مجید‏».

«‏پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود بفرست همانگونه که بر ابراهیم درود فرستادی به راستی تو قابل ستایش و بزرگوار هستی».

درود از جانب خداوند ثنای او بر بنده‌اش در ملکوت اعلی است، همانگونه که بخاری در صحیحش از ابو العالیه حکایت مى‏كند که گفت: درود خداوند ثنای او بر بنده‌اش در ملکوت اعلی است.

و در رساله‌ی موسوم به‌ «آداب رفتن به نماز» و «صفة الصلاة:1/10» چنین بیان می‌دارد: «‏اللّهم صلّ علی محمّد وعلی آل محمّد کما صلیت علی آل إبراهیم إنک حمید مجید، وبارک علی آل محمد کما بارکت علی إبراهیم إنک حمید مجید».

«‏پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود بفرست همانگونه که بر آل ابراهیم درود فرستادی به راستی تو ستوده و بزرگواری، و بر محمد و بر آل محمد برکت نازل کن همچنانکه بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت نازل کردی به راستی تو ستوده و بزرگواری».

و همچنانکه هر مسلمانی مى‏داند این دعا یکی از ارکان نماز است؛ و نماز مسلمان جز با آن صحیح نیست و این دیدگاه شیخ محمد بن عبدالوهاب است. که بر آن دلیل آورده شد.

# براى خاندان پیامبر ص بر امت حقوقی است كه هيچ كس با آنان شريك نخواهد شد وآنان اين شایستگی و نهایت محبت و دلسوزی را دارند كه براى ديگران چنين نيست

شیخ محمد بن عبدالوهاب : جملات و عباراتی را از کتابهای شیخ الاسلام ابن تیمیه‌ : جمع آوری نموده‌ و تحت عنوان «مسائل لخصها الامام محمد بن عبدالوهاب من کلام شیخ الاسلام ابن تیمیه‌‌» آن‌را به‌ چاپ رسانده‌ است، ایشان ضمن آن رساله ‌(1/51) مى‏گوید: خانواده پیامبر ص بر امت حقی دارند که سایر مردم شریک آن حق نیستند و استحقاق محبت و دلسوزی بیش از حدی هستند که سایر قریش چنین استحقاقی را ندارند و قریش استحقاق چیزی را دارند که قبایل دیگر چنین استحقاقی را ندارند، همچنانکه جنس عرب استحقاق آن چیزی هستند که سایر بنی آدم چنین استحقاقی را ندارند - تا آنجا که مى‏گوید- به همین خاطر در میان بنی هاشم پیامبری وجود دارد که‌ هیچ احدی از قریش به‌ پای وی نمی‌رسد، و در میان قریش خلفاء و ... وجود دارد که‌ در میان عرب بی‌نظیر هستند و در میان عرب از سابقین اولین کسانی هستند که در سایر ملتها شبیه‌ و نظیری را ندارند.

این عقیده شیخ موافق عقيده اين تيميه است در رابطه با خاندان نبی و خانواده و نزدیکان اوست که مدعی حقوق و واجباتی مخصوص برای آنها است و سایر مردم را در آن حق بی‌بهره‌ می‌داند و محبت و لطفی را برایشان واجب دانسته‌ که سایر مردم استحقاق آن را ندارند. و این فضل خداست و به هر کس که بخواهد مى‏دهد.

# دادن لقب مرتضی به علی و اعتقاد به‌ اینکه‌ ایشان بافضيلت‏ترين یاران پیامبر ص می‌باشند

شیخ : در ضمن رساله‌ نخست از «الرسائل الشخصیة: 1/10» مى‏گوید: ایمان دارم به این که محمد ص خاتم پیامبران و انبیاست، و ایمان هیچ بنده‌ای صحیح نیست تا زمانی که به رسالتش ایمان نیاورد، و به نبوتش شهادت ندهد؛ و اینکه برترین امتش ابوبکر صدیق، سپس عمر فاروق، سپس عثمان ذو النورین، سپس علی مرتضی و سپس بقیه عشرة مبشرة... است.

شیخ محمد بن عبدالوهاب امام علی را چهارمین خلیفه از خلفای راشدین هدایت‌گر به حساب می‌آورد و لقب مرتضی را به او مى‏دهد و اعلام می‌دارد که‌ ایشان از برترین ياران پیامبر ص است.

# شهادت حسین در روز عاشوراء کرامتی از جانب خدا بود

شیخ : در رساله «الرد علی الرافضة:1/48» کلام زیبایی را از شیخ الإسلام ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم در رابطه با مصیبت امت راجع به‌ حسین و کشته شدن فجیعش نقل مى‏كند و با پافشاری بر صبر و دوری از جزع و فزع مى‏گوید: شیخ الاسلام ابن تیمیه حنبلی حرانی : مى‏گوید: خداوند من و شما را توفیق دهد، بدان که شهادت حسین در روز عاشوراء کرامتی بود از جانب خداوند که با آن او را گرامى ‏داشت، و ارتقای درجه و مرتبه‌ای بود که‌ خداوند بر وی ارزانی بخشید و خواری و ذلتی بود برای کسی که به او ظلم کرد و به او دست درازی کرد، و پیامبر ص وقتی از او سوال شد که چه کسی از همه‌ سخت‌تر بلا و آزمایش را می‌بیند؟ فرمود: انبیاء. سپس صالحان و سپس کسانی که از همه‌ بیشتر به آنها شباهت دارند، و هر کس بر حسب دینش آزمایش مى‏شود؛ اگر در دینش صلابت داشته‌ باشد آزمایشش بیشتر مى‏شود، و اگر در دینش سست و ضعیف باشد در مورد او تخفیف داده مى‏شود، بلا و آزمایش همچنان با مومن همراهی می‌کند تا طوری بر زمین گام بردارد که لغزشی بر او نباشد. بنابر این مؤمن، وقتی که روز عاشوراء می‌رسد و مصیبت حسین را یادآور مى‏شود مشغول استرجاع: ﭽ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭼ گفتن مى‏شود، همانگونه که خدای به او امر کرده است، تا به پاداشی نایل گردد که‌ در ضمن این آیه‌ وعده داده شده: ﭽ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﭼ (البقره: ١٥٧).

«اينها، همانها هستند كه الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده; و آنها هستند هدايت‏يافتگان».

ثمره آزمایش و مصیبت و آنچه که خدا به صابرین وعده داده است وقتی ملاحظه مى‏شود که خداوند مى‏فرماید: ﭽ ﰓ ﰔ ﰕ ﰖ ﰗ ﰘ ﰙ ﭼ (الزمر: ١٠).

«كه صابران اجر و پاداش خود را بى‏حساب دريافت مى‏دارند».

و شهادت مى‏دهد که آن بلا از جانب بلا دهنده بزرگ است، بنابر این احساس تلخی و سختی بلا از پیش دیدگانش زدوده مى‏شود. خداوند مى‏فرماید: ﭽ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃﭼ (الطور: ٤٨). «در راه ابلاغ حكم پروردگارت صبر و استقامت كن، چرا كه تو زير نظر ما و در حفاظت و رعايت كامل ما قرار دارى».

به بعضی گفته شد: چه‌ وقت زدن و آزار و قطع بر شما هموار می‌گردد؟ گفت: اگر ما بتوانیم کسی را راضی کنیم که او را دوست داریم بلا را راحتی، جفا را وفا، و محنت را نعمت محسوب مى‏كنیم.

بنابر این شخص عاقل در آن هنگام چنین چیزی را فرا مى‏خواند؛ مصایب و سختیها و بلاهای دنیوی را کوچک مى‏شمارد و خود را به خاطر مصیبتی که به او رسیده دلداری مى‏دهد و صبر اختیار مى‏كند و تا آنجا که مى‏تواند خود را به طاعات و اعمال صالح مشغول مى‏كند، چون پیامبر ص بر روزه روز عاشورا اصرار داشته است. پس فرد عاقل با لحاظ تمام اینها، اوقاتش را در انواع عبادات خاص مى‏كند، شاید که از جمله دوستداران اهل بیت نوشته شود. و همچون جاهلان آن روز را به گریه و نوحه سرایی تبدیل نمى‏كند چون این کار نه از اخلاق اهل بیت نبوی است و نه از روش و سیره آنها و اگر از سیره آنها می‌بود امت اسلامی هر سال روز وفات پیامبرشان را در ماتم و عزا می‌گذراندند، این چیزی جز تزئین و اغوای شیطان نیست؛ شیخ چنین می‌افزاید([[6]](#footnote-6)): همانطور که برای دسته‌ای دیگر معارضه و دشمنی با کار آنها را زینت داده است؛ این روز را عید مى‏گيرند و شروع به اظهار شادی و خوشحالی مى‏کنند، به خاطر اینکه از نواصب متعصب بر علیه حسین و خانواده‌اش هستند، یا از جاهلانی هستند که فساد را با فساد و شر را با شر و بدعت را با بدعت مقابله مى‏كنند، به همین خاطر شادی را اظهار مى‏نمايند، و کارهایی از قبیل: حنا زدن، پوشیدن لباس نو، سرمه زدن، عیدی دادن، پختن غذاها و حبوبات خارج از عادات را به‌ راه انداختند. و در آن روز کارهایی را مى‏دهند که در جشن‌ها و اعیاد انجام مى‏دهند و گمان مى‏كنند که این کار سنت و عرف می‌باشد، در حالی که در سنت پیامبر ص هیچ یک از این کارها پیشنهاد نشده‌ است، و در رابطه با این کارها چیزی که به آن اعتماد شود و اثر صحیحی که قابل مراجعه‌ باشد وجود ندارد؛ تا آنجا که مى‏گوید: به همین خاطر آنها (نواصب) به خاطر جهلشان روز عاشورا را همچون مراسم اعیاد و جشن‌ها، جشن مى‏گيرند و دسته دیگر (روافض) آن را عزا و ماتم مى‏گيرند و در آن روز آهنگ ناراحتی و غم و اندوه سر مى‏دهند، و هر دو دسته خطا کار و از سنت کنار رفته‌اند و دچار جرم و گناه شده‏اند. والسلام).

ابن قیم مى‏گوید: و اما نسبت به‌ احادیث مربوط به سرمه زدن‌، روغن زدن و عطر زدن در روز عاشورا باید گفت که‌ این احادیث موضوع و جعلی هستند، دسته‌ای دیگر در مقابله با آنان آن را روز غم و اندوه و ماتم گرفتند و هر دو دسته بدعتگر هستند و از سنت کناره گرفته‌اند.

در اینجا شیخ سخنان دانشمندان قبل از خود را در بیان دیدگاه صحیح راجع به‌ مصیبت اهل بیت نقل مى‏كند و با اعتماد به قرآن و سنت صحیح رسول اکرم ص آن را تأیید می‌نماید.

تعلیق را برای کسانی جا می‌گذارم که در خصوص موقف ائمه‌ی هدی نسبت به‌ اهل بیت ﻹ خواهان حق هستند، لازم به‌ یادآوری است که‌ بعضی از گروهها به آنها افترا و دروغ بستند و دشمنی و عداوت با اهل بیت را به آنها نسبت داده‌ و آنها را نواصب نامیده‌اند!!

# این روایت حاوی فضیلت بزرگی برای علی می‌باشد

شیخ در کتابش تحت عنوان «التوحید: 1/21» داستان فتح خیبر در سال هفتم هجری را می‌آورد. ایشان مى‏گویند: بخاری و مسلم هر دو از سهل بن سعد روایت كرده‏اند که: رسول خدا ص در روز خیبر می‌گفت: «پرچم اسلام را به کسی مى‏دهم که خدا و رسولش را دوست دارد، و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند، خداوند خیبر را به دست او فتح خواهد کرد. مردم آن شب را با بحث و گفتگو كه پرچم به کدام یک از آنها داده مى‏شود به سر بردند. وقتی که صبح شد پیش پیامبر رفتند و هر یک امیدوار بودند که پرچم به او داده شود. پیامبر ص فرمود: علی بن ابی طالب کجاست؟ گفتند: چشمش درد مى‏كند، دستور داد علی را برایش احضار نمودند، در چشمانش، آب دهان ریخت، بلافاصله بهبود يافت طوريكه گويا هرگز بيمار نبوده است، آنگاه پیامبر ص پرچم را به او داد و فرمود: با تأني، نزد آنان برو تا بدانجا برسي. سپس، آنها را به اسلام ‌دعوت كن و از دستورات خدا با خبر ساز. سوگند به خدا، اگر يكي از آنان بوسيلة تو هدايت شود، برايت از شتران سرخ رنگ، بهتر است». (يادآوري مى‏شود كه شتران سرخ رنگ، در آن زمان، نزد اعراب، از ارزش بسيار بالايي بر خوردار بودند)».

آنگاه در فواید این حدیث گفته‌: مسئله بیست و یکم: فضیلت علی .

و در مسایلی که آنها را خلاصه کرده: 1/ 153 مى‏گوید: قول پیامبر ص: لأعطین الرایة ... صحیح‏ترین حدیثی است که در فضیلت او (علی بن ابی طالب ) روایت شده است.

# 

# حدیث دیگری راجع به‌ فضیلت علی

شیخ : در کتابش تحت عنوان «مختصر زادالمعاد :1/276» آن جا که سخن از حوادث غزوه تبوک است مى‏گوید:

پیامبر ص به‌ جنگ تبوک رفت و علی را به‌ جای خود تعیین کرد، علی گفت: برای چه‌ مرا در میان زن و بچه‌ها جا مى‏گذارید؟ گفت: مگر راضی نیستی که شما برای من به منزله هارون برای موسی باشی؟و تنها فرقش این است که‌ بعد از من پیغمبر دیگری نمی‌آید.

در اینجا قابل تصور نیست که در مورد محمد بن عبدالوهاب گفته شود که او دشمن علی و خاندانش است حال آنکه در اکثر کتابها و نوشته‌هایش فضایل او را بیان مى‏كند.

# فضیلتی بزرگ برای فاطمه زهرا (ك)پاره تن رسول اکرم ص

شیخ : در کتاب خود «مختصر زادالمعاد:1/ 296» مى‏گوید:

رسول اکرم ص با آمدن فاطمه ك شادی می‌شد و براى او بلند می‌شد، و فاطمه‌ نیز براى احترام پیامبر ص بلند می‌شد.

# فاطمه زهرا (ك) سرور زنان جهان

شیخ : در کتاب «التوحید: 1/ 47» مى‏گوید: سیزدهم: سخن پیامبر ص به بستگان و سایر امت: «لا أغني عنک من الله شیئاً».

(در حضور خداوند هیچ یک از نیازهای شما را دفع نخواهم کرد). تا آن جا که گفت :( ای فاطمه دختر محمد! من در حضور خداوند هیچ یک از نیازهایت را دفع نخواهم کرد).

وقتی که سید المرسلین تصریح مى‏كند به اینکه او چیزی را از سرور زنان عالم دفع نمى‏كند، و انسان ایمان دارد به اینکه پیامبر ص جز حق نمى‏گوید. آنگاه به آنچه در دلهای مردم معاصر واقع مى‏شود نظر بیفکند، توحید و غربت دین برایش آشکار مى‏شود.

این عقیده شیخ درمورد پاره‌ تن پیامبر ص فاطمه ك است: اینکه او در نزد پدرش برترین انسان است و سرور زنان جهان می‌باشد.

# نکوهش کسانی که نسب اهل بیت را از جهت حسن انکار مى‏كنند و آنها را دشمنان اهل بیت توصیف مى‏نماید

ایشان در رساله «الرد على الرافضة :1/ 29» مى‏گوید: و از سخنانشان این است که حسن بن علی دنباله نداشته و نسلش منقرض گشته و از نسل ذکور او هیچ کس باقی نمانده است، این سخن در میان آنان رواج پیدا کرده و بر آن اجماع كرده‏اند، آنها گفته‌اند این سخن نیازی به‌ اثبات ندارد. و دسته‌ای از آنان ادعا مى‏كنند که «الجاج» نیز به همین ترتیب نسلش منقرض شده و به این نتیجه رسیدند که امامت را به اولاد حسین منحصر کنند و از میان آنان نیز به دوازده نفر اکتفا نموده‌اند؛ و امامت افرادی دعوتگر از آل حسن را باطل مى‏شمارند با وجود اینکه‌ دارای فضل و جلال بوده‌ و شرایط امامت را دارا بوده‌اند و مردم به‌ آنها بیعت داده‌اند و از تبار پیامبر ص هستند و از نظر علمی به درجه اجتهاد مطلق رسیده‌اند. خدا مرگشان بدهد چگونه افترا مى‏زنند، این دشمنان آل بیت را ببین چگونه رسول خدا ص و فاطمه را می‌آزارند با انکار نسب کسی که به طور قطع ثابت شده که از ذریه حسن است و ثبوت نسب ذریه او متواتر است و بر هیچ خردمندی پوشیده نیست؛ در حالی که‌ پیامبر ص انکار انساب را از اعمال جاهلیت خوانده است و روایاتی وجود دارد که دال بر این است که مهدی از نسل حسن است همچنانکه ابوداود و ... آن را روایت كرده‏اند).

این است عقیده‌ و باور شیخ که‌ هر کس ذریه حسن را انکار كند و امامت را در میان فرزندان او نفی نماید، در واقع امامت داعیان خاندان حسن را باطل ‏دانسته‌، با وجود فضل و جلال و آراستگی‌شان به شرایط امامت و بیعت مردم با آنان و صحت نسبشان و نایل شدنشان به درجه اجتهاد... با ذکر این سخن (انکار نسب فرزندان حسن ) رسول خدا ص و علی و فاطمه را آزار مى‏دهند.

# توصيف حسن بن علی به اینکه او سید است و خداوند به وسیله او بین دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح برقرار مى‏كند

شیخ در کتاب «مختصر السیره: 1/321» راجع به‌ حوادث سال 38 مى‏گوید: مردم با حسن بیعت کردند و تا هفت ماه به‌ عنوان خلیفه باقی ماند، آنگاه به طرف معاویه حرکت کرد. وقتی که دو گروه با هم برخورد کردند، حسن دانست که جز با کشتن بسیاری از افرادِ یکی از دو گروه دیگری غالب نخواهد شد. به همین خاطر او با معاویه صلح کرد، و بنا به شرایطی با او بیعت نمود و خلافت را به او واگذار کرد. معاویه آن شرایط و بیشتر از آن را نیز عهده‌دار شد. و مصداق آنچه که از پیامبر ص ثابت شده است تحقق یافت که ایشان درباره حسن فرمود: «إنَّ ابني هذا سید، و لعل الله‌ أن یصلح به‌ بین فئتین عظیمتین من المسلمین».

«این پسر من سید است و امید است که خداوند به وسیله او بین دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح برقرار کند».

به این ترتیب ایشان معتقد است که بشارت پیامبر ص به صلح بین مسلمانان بر دستان یکی از سادات آل بیت که حسن است تحقق پیدا کرد، و با معاویه در این سال صلح کرد و خلافت را به او واگذار نمود و با این کار از ریخته شدن خون مسلمانان جلوگیری کرد.

# تنزیه اهل بیت از قبایح و زشتیها

شیخ : در رساله «الرد على الرافضة: 1/51» مى‏گوید: و از جمله اعتقاداتشان- نعوذ بالله- دشنام به صحابه بخصوص خلفای سه‌گانه است، آنها در کتابهاي معتبرشان از مردی از اتباع هشام احول روایت مى‏كنند که گفت: روزی نزد ابو عبدالله جعفر بن محمد بودم، مرد خیاطی از شیعیانش پیش او آمد و دو پارچه در دست داشت و گفت: ای پسر رسول خدا ص ! یکی از دو جامه را دوختم و با هر بخیه سوزنی، خدای یگانه‌ را به‌ وحدانیت خواندم و دیگری را دوختم و با هر بخیه سوزنی، ابوبکر و عمر را لعنت کردم....

آنگاه آنچه را که شما دوست داشته‌ باشی به‌ تو نذر نمودم؛ از این دو هر کدام را دوست داری بردار و آن یکي را که دوست نداری رد کن.

صادق گفت: آن یکي را که با لعن ابوبکر و عمر تمام شده دوست دارم و دیگری را كه با ذکر «الله اکبر» دوخته شده به خودت برمى‏گردانم.

ببین آن دروغگویان فاسق چه چیز زشتی را در حق اهل بیت بیان می‌دارند.

به این ترتیب ایشان اهل بیت پیامبر ص را از دروغ دروغگویان و نسبت سخنان زشت به آنان منزّه مى‏كند. چگونه چنین چیزی ممکن است حال آنکه امام جعفر صادق در مورد جدش ابوبکر صدیق مى‏گفت: «و لدني أبوبکر مرّتین».

(ابوبکر دوبار مرا به دنیا آورد). مى‏دانی برای چه؟

چون مادرش ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابوبکر بود، و زن قاسم دختر عبدالرحمن بن ابوبکر بود، به همین خاطر مى‏گفت: ابوبکر دوبار مرا به دنیا آورد!

# حق از علی بن ابی طالب و یارانش نزدیکتر بود تا به‌ معاویه و یارانش

در کتاب «مختصر السیره: 1/321» درباره حوادث سال سی و هشت مى‏گوید: علی بن ابی طالب و یارانش از معاویه و یارانش به حق نزدیکتر بودند، با این حال هیچ یک از آنان از دایره ایمان خارج نشدند.

این عقیده شیخ در رابطه با حادثه جنگی است که بین صحابه درگرفت، اینکه امام علی و یارانش در آن جنگ نزدیکتر به حق و صواب بودند، و هر دو دسته از ایمان خارج نشدند.... این به خاطر درک عاقلانه ایشان نسبت به آیات قرآن است، چون خداوند در قرآن مى‏فرماید: ﭽ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟﭼ (الحجرات: ٩).

«و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتى دهيد».

خداوند آنها را مؤمن نامیده است علیرغم إثبات درگیریشان و نیز علی در جواب کسی که در مورد کسانی که با او جنگیدند پرسید؟ گفت: «إخواننا بغوا علینا».

(برادرانمان بر ما سرکشی کردند)، علی آنها را برادر خود خواند.

# علاقه شدید صحابه به دامادی پیامبر ص.

شیخ در کتاب «مختصر السیره :1/306» درباره حوادث سال هفدهم مى‏گوید: «در آن سال عمر با ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب ازدواج کرد، تا از این طریق به‌ عنوان داماد پیامبر ص محسوب گردد.

شیخ : این ازدواج مبارک را در کتابش ذکر مى‏كند با بیان اینکه عمر تنها خواستار خویشاوندی با نسب رسول الله ص بود که در فرزندان علی و فاطمه باقی مانده بود، به دلیل بزرگواری و افتخار نسب نبوی کریم.

# نواصب بد ذات، جاهل و ظالم هستند

شیخ : در ضمن مسئله (27) از کتاب «مسائل لخصها: 1/25» در سیاق نقل سخنان ابن تیمیه : در مورد اینکه شیطان، گمراهی و ضلالت را برای بعضی از مردم زینت داده است، مى‏گوید: «همچنانکه مشرکان تُرك را یاری دادند تا آنچه که در بغداد و ... با اهل بیت از فرزندان عباس و ... انجام دادند، پس قومی با آنها دشمنی کردند که یا از نواصب متعصب و دشمن حسین بودند، یا از جاهلانی که فساد را با فساد جواب دادند و روایاتی را در باب توسیع نفقه بر خانواده جعل کردند، اگر چه ایشان بد ذات‌تر و جاهل‌تر و ظالم‌تر بودند، ولی خداوند به عدل و احسان امر مى‏كند.

مى‏بینیم که شیخ هر کسی از نواصب نادان و ظالمی را که با اهل بیت دشمنی می‌ورزد و به آنها آزار می‌رساند، تحقیر مى‏نماید. این موضع روشن و شفاف اوست در برابر کسی که دشمنی اهل بیت رسول الله ص را ابراز مى‏كند.

# موضع دعوتگران سلفی در برابر اهل بیت ‡

اکنون جهت تبیین و توضیح منهج و روش این دعوت مبارک در برابر اهل بیت پیامبر ص پاره‌ای از سخنان فرزندان و پیروان شیخ را ذکر می‌نماییم.

# کسی که‌ به‌ کتاب خدا، سنت پیامبر ص و روش اهل بیت دست آویزد در دنیا و آخرت گمراه و بدبخت نخواهد شد

امام عبدالعزیز بن سعود بن محمد : می‌گوید: از عبدالعزیز بن سعود به‌ جناب احمد بن علی قاسمی – خداوند شما را به‌ آنچه‌ که‌ دوست دارد و بدان راضی است هدایت نماید-: نامه‌ شما به‌ دست ما رسید و به‌ مضمون آن اطلاع یافتیم که‌ بیان داشته‌اید: گروهی از اصحاب و پیروان ما تمسک به‌ قرآن و سنت پیامبر ص از جانب پیروان مذهب اهل بیت شریف را نکوهیده‌اند. لازم است بدانید که‌ تمسک و چنگ فرا زدن به‌ کتاب خدا، سنت پیامبر ص و روش اهل بیت موجب سرافرازی در دنیا و آخرت و عدم گمراهى می‌باشد. اما لازم است ادعا را با عمل به‌ اثبات رساند.

سپس می‌افزاید: اصل دین پیامبر ص و اهل بیت ایشان عبارت است از اینکه: انواع عبادات تنها برای خدا به‌ انجام رسانده‌ شود، پس تنها او خوانده‌ می‌شود، برای او نذر انجام می‌شود، قربانی تنها در راه او صورت می‌گیرد، باید تنها از او ترس و واهمه‌ داشت و تنها بر او توکل شود، همچنانکه‌ آیات قرآن نیز بیانگر همین واقعیت است: ﭽ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﭼ (الجن: ١٨). «مساجد از آنِ خداست، پس هيچ كس را با خدا نخوانيد».

خداوند می‌فرماید: ﭽ ﭑ ﭒ ﭓﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭼ (الرعد: ١٤). «دعوت حق از آن اوست! و كسانى را كه (مشركان) غير از خدا مى‏خوانند، (هرگز) به دعوت آنها پاسخ نمى‏گويند».

خداوند می‌فرماید: ﭽ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﭼ (النحل: ٣٦). «ما در هر امتى رسولى برانگيختيم كه: «خداى يكتا را بپرستيد; و از طاغوت اجتناب كنيد!».

خداوند می‌فرماید: ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭼ (الأنبياء: ٢٥). «ما پيش از تو هيچ پيامبرى را نفرستاديم مگر اينكه به او وحى كرديم كه: معبودى بحق جز من نيست; پس تنها مرا پرستش كنيد».

این توحید و یکتاپرستی اصل و اساس اهل بیت ‡ است، هر کس مطابق آن رفتار ننماید پیامبر ص و اهل بیت ایشان از او بریء می‌باشد. خداوند می‌فرماید: ﭽﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﭹ ﭺﭼ (التوبه: ٣). «و اين، اعلامى است از ناحيه خدا و پيامبرش به (عموم) مردم در روز حج اكبر (روز عيد قربان) كه: خداوند و پيامبرش از مشركان بيزارند».

و از جمله‌ی مذهب اهل بیت: برپاداشتن فرائض (نماز، زکات، روزه‌ و حج) است، و همچنین امر به معروف، نهی از منکر، دوری از محرمات، محبت سابقین اولین از مهاجر و انصار و پیروان نیکوکار آنها نیز جزو مذهب اهل بیت محسوب می‌باشد، و از منظر آنها خلفای راشدین فاضل‌ترین سابقین اولین می‌باشند، همچنانکه‌ محمد بن حنیفه‌ و برخی دیگر از اصحاب از علی بن ابی طالب نقل کرده‌اند که‌ گفته‌: «خیر هذه‌ الامة بعد نبیها: أبوبکر، ثم عمر». «بعد از پیامبر، ابوبکر و سپس عمر بهترین این امت اسلامی می‌باشند».

دلایلی که‌ بیانگر فضیلت خلفای راشدین می‌باشند بیشتر از آن هستند که‌ مورد حساب واقع شوند.

این است مذهب اهل بیت که‌ بیان داشتیم، و شما نیز ادعا می‌کنید که‌ به‌ منهج اهل بیت تمسک نموده‌اید، در حالی که‌ بر خلاف آنها رفتار نموده‌ و مخالف آنها هستید، و اهل بیت از منهج و رفتار شما بریء است؛ زیرا کسی که‌ مردگان را می‌خواند، برای رفع نیازهای روزانه‌ و از بین بردن ناراحتیهایش به‌ مردگان پناه می‌برد، شرک در مناطق آنها پدیدار گشته، بر قبر مردگان گنبد می‌سازند و همراه خدا آنها را نیز فرا می‌خوانند، شرک همانند اصلی از اصول دینشان قرار گرفته‌، فرائض را ترک می‌نمایند، محرمات و منهیات را دنبال می‌کنند و اصحاب بزرگواری همچون ابوبکر، عمر و ... را مورد بی‌حرمتی و دشنام قرار می‌دهند چگونه‌ ادعای پیروی از اهل بیت را اعلام می‌دارد([[7]](#footnote-7)).

امام : در این کلمات درخشان بیان داشت که‌ عقیده‌ی اهل سنت و جماعت همان عقیده‌ی اهل بیت است که‌ بر کتاب خدا و سنت پیامبر ص بنیان شده‌ است، ایشان سخنان خود را با کلماتی آغاز نمودند که‌ پر از محبت و احترام برای اهل بیت پیامبر ص می‌باشد، نظر به‌ اینکه‌ فرمودند: لازم است بدانید که‌ تمسک و چنگ فرا زدن به‌ کتاب خدا، سنت پیامبر ص و روش اهل بیت موجب سرافرازی در دنیا و آخرت می‌باشد.

# بدون شک قرآن و سنت پیامبر ص خواهان محبت و مودت اهل بیت هستند

شیخ عبدالله‌ بن محمد بن عبدالوهاب : می‌گوید: راجع به‌ اهل بیت و حکم ازدواج فاطمیه‌ با غیر فاطمیه‌ از اهل علم سؤال شد؟ در پاسخ اعلام داشتند: بدون شک در قرآن و سنت پیامبر ص محبت و مودت اهل بیت همانند یک واجب دینی اعلام شده‌، بنابراین محبت و مودت ورزیدن نسبت به‌ آنها واجب و ضروری است، اضافه‌ بر آن لازم است بدانیم که‌ اسلام با نگاهی مساوی به‌ همه‌ی مردم می‌نگرد، پس جز به‌ تقوی هیچ احدی بر دیگری برتری ندارد، اما احترام، تقدیر و اجلال اهل بیت و سایر علما همانند یک حکم شرعی واجب است و هنگامی که‌ با کسانی همسطح خود از نظر سن و علم گرد می‌آیند نشاندنشان در صدر مجلس، جلو انداختن آنها در احترام و راه رفتن و ... لازم و ضروری می‌باشد([[8]](#footnote-8)).

باز می‌گوید([[9]](#footnote-9)): ما معتقد هستیم که‌ علی بن ابی‌طالب از معاویه‌ چه‌ رسد به‌ بنی امیه‌ و بنی عباس بیشتر شایستگی مقام خلافت را داشتند، و همچنین معتقد هستیم که‌ حسن و حسین سید و سرور جوانان بهشت می‌باشند، زیرا از پیامبر ص روایت شده‌ که‌ فرمودند: «الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة».

(حسن و حسین سید و سرور جوانان بهشت هستند).

و معتقدیم که‌ آنها از یزید، بنی امیه‌ و بنی عباس بیشتر شایستگی مقام خلافت را داشتند.

و باز در کتاب موسوم به‌ «جواب أهل السنة النبویة في نقض کلام الشیعة والزیدیة» اهل بیت را در حد گسترده‌ای تمجید و تعریف نموده‌ و بیان داشته‌ که‌ مذهب اهل سنت و جماعت به‌ طور عام و علماء نجد به‌ طور خاص بر آن است که‌ نسبت به‌ اهل بیت نهایت محبت و مودت دارند و جایگاه واقعی خود را به‌ آنها بازمی‌گردانند و تمامی افترا و تهمتهایی که‌ از جانب اهل بدعت بدانها نسبت داده‌ شده‌ لغو و باطل می‌نمایند... و از جمله‌ سخنان ایشان در این خصوص به‌ طور مختصر و کوتاه‌ عبارت است از:

اهل سنت و جماعت که‌ مطابق قرآن و سنت موضع‌گیری می‌نمایند از همه‌ی مردم بیشتر نسبت به‌ اهل بیت محبت می‌ورزند و پیروی کردن از آنها را مایه‌ی افتخار و سرافرازی خود قلمداد می‌نمایند([[10]](#footnote-10)).

و می‌گوید: همه‌ی اهل سنت ولایت علی و اهل بیت را می‌پذیرند و او را بر معاویه‌ و کسانی که‌ از معاویه‌ نیز بزرگتر هستند تفضیل و برتری می‌دهند...([[11]](#footnote-11)).

و بیان داشته‌: سایر اهل سنت و جماعت ولایت علی و اهل بیت را پذیرفته‌ و آنها را دوست دارند و در برابر بنی امیه‌ - که‌ علی را ناسزا می‌گویند- موقف نشان می‌دهند و آنها را از آن‌کار بازمی‌دارند، و کتابهایشان را با ثناگویی و اعلام محبت و مولات ایشان آراسته‌اند، و فضیلت علی و اهل بیت در همه‌ی کتابهای حدیث نیز ذکر شده‌ است([[12]](#footnote-12)).

و باز گفته‌: اما سخن ایشان (اعتراض گیرنده): و از این رو شافعی هنگامی که‌ بدعت‌گذاری را در میان اهل حق مشاهده‌ نمود، فرمودند:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| إن کان رفضا حب آل محمد |  | فلیشهد الثقلان إني رافضي |

(اگر دوستی خاندان محمد رافضى بودن است، پس باید جن و انس گواهی دهند كه من رافضى هستم).

همه‌ی اهل سنت و بسیاری از بدعتگرایانی همچون معتزله‌، مرجئه‌ و غیره همین سخن شافعی را بیان داشته‌اند.

و همچنين همانند برخی از علما می‌گویند:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| إن کان نصبا حب صحب محمد |  | فلیشهد الثقلان أني ناصبي |

(اگر دوستی اصحاب محمد نشانه‌ ناصبى بودن است، پس باید جن و انس گواهی دهند به‌ اینکه‌ من ناصبى هستم).

بیت نخست: خوارج و برخی از بنی امیه‌ را مخاطب قرار می‌دهد که‌ نسبت به‌ علی و اهل بیت ایشان نفرت و کینه‌ به‌ دل داشتند، و برخی از آنها کفر اهل بیت را اعلام می‌داشتند.

و اما بیت دوم: رافضه‌ و زیدیه‌ را مخاطب قرار می‌دهد که‌ برخی از اصحاب پیامبر ص را مورد نفرت و دشمنی خویش قرار می‌دادند... ([[13]](#footnote-13)).

و ایشان گفته‌اند: اما آن دسته‌ و گروهکی از بنی امیه‌ که‌ علی را مورد لعن و نفرت خویش قرار می‌دادند از نظر اهل سنت ظالم و فاسق محسوب می‌گردند، و اهل سنت از طریق تبلیغات و نقل روایتهای صحیحی راجع به‌ فضیلت علی با آنها به‌ مبارزه‌ پرداخته‌اند.

آنها می‌خواستند با این کار زشت و شنیع خود، از مقام و منزلت علی بکاهند و محبت و مودت ایشان را از دل مردم بیرون آورند، اما خداوند خلاف هدف و انگیزه‌ی آنها را برای علی به‌ ارمغان آورد و به‌ مقام وی افزود. و اهل سنت و جماعت نیز فضائل ایشان را ظاهر نمودند و آن را در میان مردم منتشر کردند، پس در میان توده‌ی مردم چه‌ رسد به‌ افراد ویژه‌، مشهور گشت و در نتیجه‌ همه‌ی اهل سنت نسبت به‌ او محبت و مودت می‌ورزند و ولایت او را می‌پذیرند... ([[14]](#footnote-14)).

و باز می‌گوید: بسیاری از اهل سنت معتقد هستند که‌ علی در جنگ با معاویه‌ و همراهانش بر حق بوده‌ است، و همه‌ی آنها متفق هستند بر اینکه‌ علی از معاویه‌ و همراهانش به‌ حق نزدیک‌تر بوده‌اند([[15]](#footnote-15)).

و بیان می‌دارد: ماجرای حسین و اهل بیت ایشان مایه‌ رفعت درجه‌ و امتیازات او در برابر خداوند متعال می‌باشد([[16]](#footnote-16)).

و در پاسخ به‌ اعتراضی راجع به‌ انحراف اهل سنت و جماعت از اهل بیت چنین بیان داشته‌:

این یک دروغ واضح و روشنی علیه‌ اهل سنت و جماعت می‌باشد، زیرا آنها از اهل بیت منحرف نگشته‌اند، بلکه‌ از اصول دین آنها محبت، موالات و صلوات بر اهل بیت نبوی در نماز و ... می‌باشد، و تنها جهت دوری از طولانی شدن بحث، از نقل قول آنها راجع به‌ این قضیه‌ صرف‌نظر می‌نماییم([[17]](#footnote-17)).

و می‌گوید: کسانی که‌ در حق اهل بیت ظلم و ستم روا می‌دارند و با آنها و یا اینکه‌ با یکی از آنها به‌ جنگ و ستیز می‌پردازد از منظر اهل سنت و جماعت همانند ستمگر و ظالم شناخته‌ می‌شود و هرگز بدانها محبت و مودت نمی‌ورزند، بلکه‌ نهایت عداوت و دشمنی را با آنها در میان می‌گذارند و آنها را لعنت و نفرت می‌کنند، و کتابهای اهل سنت را می‌بینیم که‌ نسبت به‌ اهل بیت نهایت ادب و ثناگویی را رعایت نموده‌ و برایشان دعای خیر خوانده‌([[18]](#footnote-18)).

و بعد از نقل احادیثی راجع به‌ فضیلت اهل بیت می‌گوید: این احادیث بیانگر این است که‌ اجماع اهل بیت همانند حجتی تلقی می‌شود و اینکه‌ آنها بر باطل گردهم نمی‌آیند، زیرا خداوند آنها را از باطل محفوظ می‌دارد همانگونه‌ که امت اسلامی را بر گمراهی گرد نمی‌آورد([[19]](#footnote-19)).

و گفته‌: اهل سنت نسبت به‌ اهل بیت پیامبر ص محبت و مودت می‌ورزند و به‌ تمامی صفاتی که‌ در قرآن برای خداوند ذکر شده‌ ایمان دارند تا آنجا که‌ می‌گوید: زیرا اهل بیت از کتاب خدا جدا نگشته‌ و با آن مخالفت نمی‌نمایند، همچنانکه‌ در حدیث آمده‌ که‌ پیامبر ص فرمود: «ولن یفترقا حتى یردا عليَّ الحوض...».

«آنها هرگز از هم نمی‌شوند تا کنار حوض کوثر مرا ملاقات كنند»([[20]](#footnote-20)).

و بیان می‌دارد: و اما ادعای اینکه‌ اهل سنت نسبت به‌ ناسزاگویی در حق علی اعلام رضایت نموده‌اند یک دروغ و تهمت محض است و هیچ کس در این خصوص شک و شبهه‌ای ندارد، زیرا آنها از قدیم الایام تا به‌ امروز با هر گونه‌ ناسزاگویی در حق علی به‌ جنگ و ستیز پرداخته‌اند...([[21]](#footnote-21)).

و پیرامون مسأله‌ استسقاء گفته‌: فقهای اهل سنت گفته‌اند: توسل به‌ افراد صالح جهت استسقاء سنت و مستحب می‌باشد، و بهتر و افضل‌تر این است که‌ افراد صالح و نیکوکار را از میان خویشان پیامبر انتخاب نماییم([[22]](#footnote-22)).

و باز نقل شده‌ که‌ راجع به‌ آیه‌ی: ﭽﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺﭼ (النساء: ١١٥).

«كسى كه بعد از آشكار شدن حق، با پيامبر مخالفت كند، و از راهى جز راه مؤمنان پيروى نمايد».

از شیخ عبدالله بن محمد سؤال شد: آنهایی که‌ خداوند دستور داده‌ از راه و منهجشان پیروی شود چه‌ کسانی هستند؟ اگر در پاسخ بگویید: آنها اصحاب پیامبر ص و رهروان منهج و روش آنهایند. باز می‌پرسیم: آیا علی بن ابی طالب، حس و حسین، صادق، باقر، نفس زکیه، حسن بن حسن و امثال آنها از نسل علی و فاطمه‌ ن از همان مؤمنانی محسوب می‌باشند که‌ خداوند مخالفت با منهجشان را نکوهیده‌ است؟ یا اینکه‌ آنها جزو این افراد محسوب نمی‌گردند؟

در پاسخ فرمودند: علی بن ابی طالب، حسن و حسین، طلحه‌ و زبیر، اصحاب بدر، معاویه‌ بن ابوسفیان و همراهانش از اهل شام ن اصحاب پیامبر ص هستند، لذا قائل به‌ ولایت همه‌ی آنها هستیم، از اختلافات آنها دوری می‌گزینیم و از خداوند طلب مغفرت برای اشتباهاتشان می‌نماییم، همانگونه‌ که‌ خداوند به‌ ما دستور داده‌: ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜﭼ (الحشر: ١٠). «(همچنين) كساني كه بعد از آنها (مهاجران و انصار) آمدند و مي‌گويند: پروردگارا! ما و برادرانمان را كه در ايمان بر ما پيشي گرفتند بيامرز».

و همان سخن برخی از علما را تکرار می‌کنیم که‌ گفته‌اند:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| إن کان نصبا حب صحب محمد |  | فلیشهد الثقلان أني ناصبي |

(اگر دوستی اصحاب محمد نشانه‌ ناصبى بودن است، پس باید جن و انس گواهی دهند به‌ اینکه‌ من ناصبى هستم).

و در برابر کسانی که‌ به‌ دشمنی و نفرت و تبری از اهل بیت دستور می‌دهند، همان سخن برخی از علما را تکرار می‌نماییم که‌ گفته‌اند:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| إن کان رفضا حب آل محمد |  | فلیشهد الثقلان إني رافضي |

(اگر دوستی خاندان محمد رافضى بودن است، پس باید جن و انس گواهی دهند كه من رافضى هستم).

و اما سخن شما که‌ می‌پندارید: ما منکر علم، دانش، اقوال و مذهب اهل بیت می‌باشیم و با مذهب زیدی (زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب ن) مخالف هستیم؛ این یک دروغ و بهتان بزرگی علیه‌ ما است، زیرا زید بن علی از نظر ما جزو علماء این امت می‌باشد، لذا هرگونه‌ منقولات صحیحی از او که‌ موافق قرآن و سنت باشد با دل و جان آن را می‌پذیریم، و هر آنچه‌ مخالف قرآن و سنت باشد هرگز بدان تن نمی‌ دهیم، همچان‌که‌ با اقوال سایر ائمه‌ نیز چنین برخورد می‌نماییم([[23]](#footnote-23)).

خواننده‌ی گرامی: با قلب و بینشی پر از محبت حق و حقیقت.. گوشهایی متنفر از شنیدن دروغ و بهتان و چشمانی که‌ عاشق برهان و دلیل است به‌ نکات زیر توجه‌ کن:

* آیا کسی که‌ محبت و موالات اهل بیت را واجب و ضروری می‌داند ممکن است که‌ آنها را مورد نفرت و کینه‌ قرار بدهد؟
* آیا معقول است کسی که‌ محبت و موالات اهل بیت را همانند اصلی از اصول دین قرار داده‌ با آنها به‌ دشمنی و حداوت بپردازد؟
* آیا ممکن است کسی که‌ اجماع اهل بیت را حجت قلمداد نموده‌ و اعلام داشته‌ آنها بر گمراهی گرد نمی‌آیند با اهل بیت به‌ مخالفت بپردازد؟

# محبت علی نشانه‌ی ایمان و نفرت از او نشانه‌ی نفاق است

شیخ سلیمان بن عبدالله‌ بن محمد بن عبدالوهاب : می‌گوید:

عبارت «یحب الله‌ ورسوله‌ ویحبه‌ الله‌ ورسوله» خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند) بیانگر فضیلت سترگی برای علی می‌باشد، زیرا این گواهی پیامبر ص برای ایشان است. و همچنین بیانگر آن است که‌ علی به‌ طور کامل از پیامبرش تبعیت و پیروی نموده‌ و به‌ درجه‌ای دست یافته‌ که‌ خدا او را دوست داشته‌ باشد، از این رو محبت او نشانه‌ی ایمان و نفرت از او نشانه‌ی نفاق می‌باشد([[24]](#footnote-24)).

و باز گفته‌: و علی ابن ابی طالب همان امام ابوالحسن هاشمی عموزاده‌ پیامبر ص و همسر فاطمه‌ی زهراء دختر پیامبر ص است که‌ نام اجدادش ابوطالب عبدمناف بن عبدالمطلب بن هاشم قریشی می‌باشد، ایشان از سابقین اولین به‌ اسلام است که‌ در جنگ بدر و بیعت‌الرضوان شرکت داشته‌ و یکی از آن ده‌ نفر می‌باشد که‌ در دنیا گواهی بهشت برایشان اعلام شد و خلیفه‌ی چهارم از خلفای راشدین می‌باشد. ایشان دارای فضائل و مناقب بسیاری هستند و در ماه رمضان سال چهلم هجری به‌ دست ابن ملجم خارجی به‌ درجه‌ شهادت نائل آمدند([[25]](#footnote-25)).

باز در همان رساله‌ آمده‌ است: «عبارت: از علی بن حسین» یعنی: فرزند علی بن ابی طالب معروف به‌ زین العابدین که‌ از میان اقوام و خویشان خود بزرگترین و داناترین تابعین به‌ شمار می‌آید. زهری می‌گوید: از میان اهل قریش بافضيلت‌تر از او را ندیده‌ام و بنا به‌ قول صحیح ایشان در سال (93 هـ)وفات فرمودند. پدر ایشان حسین، نوه‌ و ریحانه‌ی پیامبر ص می‌باشد که‌ روایاتی از پیامبر ص نقل نموده‌ و در روز عاشوراء سال 61 هـ در سن 56 سالگی به‌ درجه‌ی شهادت نائل آمدند([[26]](#footnote-26)).

این همان عقیده‌ای است که‌ امام محمد بن عبدالوهاب فرزندان و نوه‌های خود را بر آن تربیت نمود که‌ اهل بیت پیامبر ص را دوست بدارند و حق آنها را شناخته‌ و آنها را در مقام و منزلتی قرار بدهند که‌ خدا و رسولش بدانها داده‌ است.

# اهل مدینه‌ و اهل بیت ‡ گردانندگان سنت می‌باشند

شیخ عبدالرحمن بن حسن آل الشیخ : در کتاب «فتح المجید» هنگام شرح (باب ما جاء في حمایة المصطفی ص جناب التوحید وسده‌ کل طریق یوصل إلى الشرک) سخنی به‌ مضمون زیر از شیخ الاسلام ابن تیمیه‌ را نقل می‌کند:

شیخ الاسلام : گفت: اهل مدینه‌ و اهل بیت که‌ از خویشان و همشهریان پیامبر ص هستند گردانندگان سنت می‌باشند، زیرا آنها از سایر مردم بیشتر بدان نیاز داشتند، پس آنها سنت را در کنترل خود قرار دادند([[27]](#footnote-27)).

و در باب منکر چیزی از اسماء و صفات می‌گوید: علی: امیر مؤمنان فرزند ابی‌طالب، پدر حسن و یکی از خلفای راشدین می‌باشد([[28]](#footnote-28)).

اینک یکی از نوه‌های شیخ محمد بن عبدالوهاب است که‌ از شیخ الاسلام نقل قول می‌نماید و برای او اقرار می‌نماید که‌ اهل بیت با توجه‌ به‌ اینکه‌ از خویشان و همشهریان پیامبر ص هستند گردانندگان سنت می‌باشند و آن را در زیر نظر خود قرار داده‌اند، ایشان به‌ خاطر شناختی که‌ راجع به‌ حق اهل بیت پیامبر ص و تقدیر و احترام از آنها را دارد و پیروی از دستورات خداوند و پیامبرش را واجب می‌داند معتقد است که‌ علی بن ابی‌طالب یکی از خلفای راشدین می‌باشد و از سابق‌ترین سابقین است.

# راجع به‌ فضائل اهل بیت احادیث بسیاری به‌ درجه‌ صحت رسیده‌

فرزندان امام محمد بن عبدالوهاب و شیخ حمد بن ناصر معمر می‌گویند: و اما در پاسخ سؤالِ راجع به‌ فضائل اهل بیت پیامبر ص می‌گوییم: راجع به‌ فضائل اهل بیت احادیث بسیاری به‌ درجه‌ صحت رسیده‌؛ لازم به‌ ذکر است که‌ بسیاری از احادیث جعلی راجع به‌ فضائل اهل بیت از نظر حفاظ مردود شمرده‌ شده‌اند و آن را صحیح قلمداد ننموده‌اند، اما همان روایات صحیح راجع به‌ فضائل آنها کافی است([[29]](#footnote-29)).

# علی خلیفه‌ی چهارم از خلفای راشدین می‌باشد

هنگامی که‌ راجع به‌ هجرت مسأله‌ای از سلیمان بن سحمان([[30]](#footnote-30)) پرسیدند، در پاسخ گفت: ... و هر کس آن را عیب شمارَد و یا آن را انکار نماید در واقع از اصحاب پیامبر ص به‌ خصوص علی بن ابی‌طالب عیب گرفته‌ است، در حالی که‌ پیامبر ص فرمود: «علیکم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدین المهدیین من بعدي، تمسکوا بها وعضوا علیها بالنواجذ، وإیاکم ومحدثات الأمور؛ فإن کل محدثة بدعة وکل بدعة ضلالة».

(به‌ سنت من و سنت خلفای هدایت‌یافته‌ی هدایت‌دهنده‌ی بعد از من چنگ زنید و آن را محکم بگیرید و از دست ندهید، و از نوآوری در دین بپرهیزید، زیرا هر گونه نوآوری دینی بدعت، هر بدعتی گمراهی است). و علی خلیفه‌ی چهارم از خلفای هدایت یافته‌ی هدایت دهنده‌ می‌باشد که‌ پیامبر ص به‌ ما دستور داده‌ سنت و هدایت آنها را فرا چنگ خود قرار دهیم. پس هر کس منکر آنچه‌ باشد که‌ ذکر نمودیم و از آن عیب و نقص بگیرد، اشتباه کرده‌ و بهره‌ای از علم و دانش نبرده‌ است و از چیزی حرف زده‌ که‌ نسبت بدان بی‌آگاه‌ و نادان است([[31]](#footnote-31)).

و در کتاب «الضیاء الشارق» تحت حدیث استسقاء عمر به‌ دعای عباس عموی پیامبر ص چنین می‌گوید: ... و بعد از وفات پیامبر ص به‌ دعای عباس توسل نمودند و استسقاء (طلب باران) کردند. و از این رو علماء گفته‌اند: استسقاء با توسل به‌ افرادی نیکوکار و اهل دین مستحب و سنت است. و بهتر آن است که‌ به‌ اهل بیت پیامبر ص توسل شود([[32]](#footnote-32)).

در هنگام شرح حدیث «أذکرکم الله‌ في أهل بیتي»([[33]](#footnote-33)) می‌گوید: ... این حدیث بیانگر تشویق و تحریک مسلمانان است برای اینکه‌ نسبت به‌ اهل بیت محبت و مودت داشته‌ باشند، ولایت آنها را بپذیرند و حقوق آنها را ضایع ننمایند...([[34]](#footnote-34)).

شیخ، در این عبارات ارزشمند و پرفایده‌ بُرد و مسافت محبت پیروان این دعوت را - که‌ امتدادی برای منهج سلف صالح اهل سنت و جماعت می‌باشند- نسبت به‌ اهل بیت پیامبر ص بیان داشت، ایشان انکار سنت خلیفه‌ی هدایت یافته‌ی هدایت‌دهنده‌ را کاری زشت و شنیع می‌شمارد و خطر آن کار را چنین به تصویر می‌کشد که‌ فرمودند: اشتباه کرده‌ و بهره‌ای از علم و دانش نبرده‌ است و از چیزی حرف زده‌ که‌ نسبت بدان بی‌آگاه‌ و نادان است. و در خصوص مسأله‌ی استسقاء نیز سخنانی ارائه‌ دادند که‌ بیانگر تعظیم و بزرگداشت اهل بیت ‡می‌باشد.

# محبت اهل بیت از چند طریق واجب است

شیخ عبدالرحمن بن ناصر بن سعدی : در شرح سخنان شیخ الاسلام ابن تیمیه‌ راجع به‌ موضع اهل سنت و جماعت در برابر اهل بیت پیامبر ص می‌گوید:

محبت اهل بیت پیامبر ص از چند طریق واجب و ضروری است: از جمله‌: به‌ خاطر اسلام، فضیلت، سوابق، خویشاوندی با پیامبر ص تشویق و تحریک پیامبر برای محبت آنها و اینکه‌ محبت آنها نشانه‌ی محبت پیامبر ص است([[35]](#footnote-35)).

به‌ سخنان این علامه‌ی محقق نگاه کنید که‌ بیان داشته‌ محبت اهل بیت پیامبر ص از چند طریق نه‌ از یک طریق واجب گشته‌ است، و این نشانه‌ی نهایت محبت و مودت ایشان نسبت به‌ خاندان پیامبر ص می‌باشد.

# محبت اهل بیت واجب است بیشتر از سایر مسلمانان باشد

شیخ محمد بن ابراهیم : تحت عنوان «فضیلت اهل بیت و اعتدال در محبت آنها» می‌گوید:

- فضیلت اهل بیت واضح و معلوم است و دلایل امتیازاتی نیز که‌ آنها به‌ خاطر خویشاوندی با پیامبر ص کسب کرده‌اند، واضح و آشکار است، بنابر این واجب است محبت آنها نسبت به‌ سایر مسلمانان بیشتر باشد.

این است عقیده‌ی یکی از نوه‌های معاصر شیخ محمد بن عبدالوهاب – رحمهم الله‌ اجمعین- که‌ عبارت است از اینکه‌ : محبت اهل بیت واجب است بیشتر از سایر مسلمانان باشد.

# استفاده‌ از دو کلمه‌ی «سید» و «شریف» برای منتسبین به‌ اهل بیت

در سخنان امام محمد بن ابراهیم آل الشیخ به‌ وفور دیده‌ می‌شود که‌ ایشان از دو کلمه‌ی «سید» و «شریف» برای منتسبین به‌ اهل بیت استفاده‌ نموده‌ است، حال جهت تبیین و توضیح احترام، بزرگداشت و نهایت محبت این امام بزرگوار برای اهل بیت از کتاب «مجموع الفتاوی» برخی از سخنان ایشان در این خصوص را نقل می‌نمایم:

ایشان بیان داشته‌اند: الحمد لله‌ والصلاة والسلام على من لا نبي بعده‌: و بعد: ناصر بن صاملِ شریف راجع به‌ برپاداشتن جمعه‌ در مسجد واقع در محله‌ی حزم از روستاهای رنیه‌ از من سؤال کرد... .([[36]](#footnote-36))

و باز می‌گوید: ... و سید بزرگوار شیخ عباس مالکی و فضیلت شیخ محمد حرکان رئیس دادگستری بزرگ جده‌ به‌ مشارکت محمد بن لادن مدیر تأسیسات حکومتی، محمد صالح قزار، حسین عجاج معلم و دو مهندس فنی طارق شواف و طه‌ قرملی پیرامون توسعه‌ی اردوگاه ... ([[37]](#footnote-37)).

و گفته‌: از محمد بن ابراهیم به‌ بزرگوارانِ یاران فضیلت مشایخ کرام: شیخ عبدالله‌ بن جاسر رئیس هیئت تشخیص مکه‌، شیخ سلیمان بن عبید رئیس دادگستری بزرگ مکه‌، شیخ سید علوی عباس مالکی مدرس مسجد حرام، شیخ عبدالعزیز بن فوزان عضو هیئت تشخیص مکه‌ مکرمه‌ ...

السلام علیکم و رحمة الله‌ و برکاته‌.. و بعد: ... ([[38]](#footnote-38)).

و بیان داشته‌: از محمد بن ابراهیم به‌ شخصیت برجسته‌ و شریف جناب مکرم بن عبدالکریم راجحی(خدا او را محفوظ بدارد): السلام علیکم و رحمة الله‌ و برکاته‌.. و بعد:

راجع به‌ استفتای شما در خصوص ازدواج دخترت با فردی از غیر اشراف اطلاع یافتم... ([[39]](#footnote-39)).

و گفته‌: از محمد بن ابراهیم به‌ حضرت سید علی البار محترم:

السلام علیکم و رحمة الله‌ و برکاته‌.. و بعد:... ([[40]](#footnote-40)).

راجع به‌ استفتای شما در خصوص رباط وقف شده بر سادات علوي به موجب آنچه كه وقف كننده مشروط دانسته و كپى آن در پيوست نامه مى‌باشد... .

و بيان داشته: و با اطلاع بر قواله وقف كه از دادگسترى مكه با شماره (31) مؤرخه 20/1/1331 و شماره (128) مؤرخه 19/12/1331هـ و آنچه متضمن آن اولاً سيد عبدالله دباغ مى‌گويد كه برادرش محمد، ناظر بر رباطهايى بوده و فوت كرده و آن رباط زنى شريفه بنام لبابه دختر سلطان اسماعيل واقع شده در مكه محله اجياد، و وقف ديگر واقع شده در محله شاميه با خط سويقه، و وقف ديگر واقع شده در شعب عامر كه واقف آن سلطان مغرب حسن بوده، و مصاريف وقف و شرطهاى آن را ذكر كرده ... .

و بیان داشته‌: از محمد بن ابراهیم به‌ حضرت استاد سید علوی مالکی محترم: السلام علیکم و رحمة الله‌ و برکاته‌.. و بعد:

نامه‌ی شما به‌ مورخه‌ی (29/75) همراه نسخه‌ای از مجموعه‌ تألیفات شما به‌ دست ما رسید و در صفحات (173 و 74 و 75) بحث ( التحذیر من التبشیر) را مطالعه‌ کردم و آن را همانند بهترین بحث تلقی نمودم. خداوند شما را توفیق دهد و از پاداش نیک محروم نگرداند... ([[41]](#footnote-41)).

آیا ممکن است افراد منصف بعد از این بگوید: شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش نسبت به‌ اهل بیت ‡ نفرت و کینه‌ به‌ دل دارند؟!!

# فضیلت علی و مناقب فراوان او

علامه‌ عبدالرحمن بن قاسم نجدی : راجع به‌ مسأله‌ی تحریم زکات بر بنی هاشم می‌گوید: پیامبر ص علت آن را چنین بیان داشت که‌ زکات پلیدی مردم است و بر او ص و بنی هاشم و موالیهایشان حرام می‌باشد، زیرا آنها مردمانی شریف هستند([[42]](#footnote-42)).

و در شرح حدیث: پرچم را به کسی مى‏دهم که خدا و رسولش را دوست دارد، و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند، خداوند خیبر را به دست او فتح خواهد کرد. مردم آن شب را با بحث و جستجوی اینکه پرچم به کدام یک از آنها داده مى‏شود به سر بردند. وقتی که صبح شد نزد پیامبر رفتند و هر یک امیدوار بودند که پرچم به او داده شود. پیامبر ص فرمود: علی بن ابی طالب کجا است؟

بیان داشته‌ که‌: این حدیث بیانگر فضیلت علی و فراونی مناقب وی می‌باشد، زیرا پیامبر ص به‌ طور خاص برای او گواهی دادند... تا آنجا که‌ می‌گوید: این حدیث بهترین دلیلی است علیه‌ نواصبی (امثال خوارج) که‌ ولایت او را نمی‌پذیرند، یا اینکه‌ او را تکفیر می‌نمایند و یا اینکه‌ او را فاسق می‌شمارند ... ([[43]](#footnote-43)).

عقیده‌ی همه‌ی اهل سنت و جماعت و همچنین عقیده‌ی شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش بر این است که‌ هر کس ولایت علی را نپذیرد و بدان اقرار ننماید ناصبی و بدعت‌گرا است.

# فاطمه‌ ‘ از زنان کامل و سید زنان بهشت است

در (فتاوی اللجنة الدائمة :3/235) آمده‌ که‌ پیامبر ص به‌ فاطمه‌ مژده‌ داد که‌ ایشان سید و بزرگ زنان بهشت می‌باشند.

و در (فتاوی و مقالات ابن باز: 7/402) آمده‌: ... از میان مردها افراد زیادی به‌ درجه‌ی کمال دست یافته‌اند، اما محمد ص از همه‌ی آنها کامل‌تر و فاضل‌تر است؛ زیرا در روایت صحیحی از پیامبر ص نقل شده‌ که‌ فرمودند: «کمل من الرجال کثیر، و لم یکمل من النساء إلاَّ مریم ابنة عمران وآسیة ابنة مزاحم- یعنی زوجة فرعون- وفضل عائشة على النساء کفضل الثرید على سائر الطعام».

(مردهای زیادی به‌ درجه‌ی کمال رسیده‌اند، اما از میان زنان جز مریم دختر عمران و آسیه‌ دختر مزاحم(همسر فرعون) زن دیگری به‌ آن درجه‌ دست نیافته‌ است، و فضل و برتری عایشه‌ بر سایر زنان مانند فضل و برتری آب‌گوشت بر سایر غذاها است).

و در روایاتی دیگر به‌ ثبوت رسیده‌ که‌ پیامبر ص فرمودند: خدیجه‌ دختر خویلد ك مادر فرزندان پیامبر ص جزو زنان کامل می‌باشد و به‌ همین سان راجع به‌ فاطمه‌ دختر پیامبر ص نیز به‌ ثبوت رسیده‌ که‌ فرمودند: ایشان سید زنان اهل بهشت می‌باشند، پس اینان (پنج زن ذکر شده‌) زنانی هستند که‌ در میان سایر زنان به‌ درجه‌ی کمال دست یافته‌اند.

عقیده‌ای که‌ پیروان امام محمد بن عبدالوهاب بدان ایمان دارند و دانشمندان فرهیخته‌ی ایشان بدان تصریح می‌نمایند عبارت است از اینکه:‌ فاطمه‌ی زهرا ‘ جزو زنان کامل و سید زنان بهشت می‌باشد.

# علی بن ابی‌طالب بزرگترین هدایت دهنده‌ است

شیخ حمود بن عبدالله‌ تویجری : می‌گوید: ... و اما اجماع: اهل سنت و جماعت اجماع نظر دارند بر اینکه‌ خلفای راشدین مهدیین نامی است برای ابوبکر، عمر، عثمان و علی ... ([[44]](#footnote-44)).

و گفته‌: و لازم است بدانید که‌ عیسی بن مریم بعد از رسول خدا فاضل‌ترین هدایت‌دهندگان است، و بعد از ایشان نیز ابوبکر و عمر و عثمان و علی ن بزرگترین هدایت دهندگان می‌باشند([[45]](#footnote-45)).

و باز گفته‌: اهل سنت قائل به‌ ولایت همه‌ی مؤمنان هستند، فضیلت و ارزش اصحاب را می‌شناسند، حقوق آنها و اهل بیت را مراعات کرده‌ و به‌ کردار افرادی همچون مختار بن ابی عبید و ... از دروغگویان و حجاج و ... از ستمگران راضی نمی‌باشند([[46]](#footnote-46)).

# شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش خاندان پیامبر ص را دوست دارند و محبت آنها را وسیله‌ی تقرب به‌ خدا قرار می‌دهند

از امام عبدالعزیز ابن باز : سؤال شد:

آیا صحیح است که‌ وهابیون با اهل بیت دشمنی می‌ورزند و از مقام سید مخلوقات می‌کاهند؟ و حقیقت دعوت وهابیون چیست؟ و چرا به‌ این شکل می‌جنگند؟

در پاسخ گفتند: شیخ محمد : و پیروان تلاشگر ایشان اهل بیت پیامبر ص را دوست داشته‌ و قائل به‌ فضل آنها می‌باشند، ایشان با توسل به‌ محبت اهل بیت و دعای مغفرت، رحمت و رضایت برای افرادی همچون عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر ص و فرزندان ایشان، و افرادی همچون خلیفه‌ی چهارم علی بن ابی‌طالب و فرزندان ایشان (حسن و حسین و محمد ن) و سایر اهل بیت که‌ در توحید، اطاعت از خدا و بزرگداشت شریعت الهی رهرو آنها بوده‌اند، به‌ خداوند تقرب می‌جویند([[47]](#footnote-47)).

و ضمن رساله‌ی دیگری([[48]](#footnote-48)) می‌گوید: و از این طریق ماجرای میان علی و معاویه‌ م به‌ وقوع پیوست، از نظر اهل سنت علی بر حق بوده‌ و در اجتهاد خود دو أجر را کسب نموده‌، و معاویه‌ و همراهانش اشتباه کرده‌اند و علیه‌ علی شورش نموده‌، اما ایشان خواهان حقیقت بوده‌ و اجتهاد نموده‌، لذا یک أجر و پاداش را می‌گیرد. خداوند از همه‌ی آنها راضی باد.

و در رساله‌ی دیگری([[49]](#footnote-49)) می‌گوید: ... پیامبر ص روز عرفه‌ در حجة الوداع خطاب به‌ مردم فرمودند: «إني تارک فیکم ما لن تضلوا إن اعتصمتم به‌: کتاب الله». ویقول ص أیضاً: «إني تارک فیکم ثقلین: کتاب الله‌ فیه‌ الهدی والنور فخذوا بکتاب الله‌ واستمسکوا به‌ وأهل بیتي، أذکرکم الله‌ في أهل بیتي».

(در میان شما کتاب خدا (قرآن) را جا گذاشته‌ام که‌ اگر بدان چنگ فرا زنید هرگز گمراه نخواهی شد) و در روایت دیگری آمده‌ که‌ فرمود: (من دو چیز گرانبها را در میان شما جا می‌گذارم: نخست کتاب خدا (قرآن) است که‌ حاوی هدایت و نور می‌باشد، پس کتاب خدا را بگیرید و بدان تمسک جویید. و دیگری: اهل بیتم است، در حق اهل بیتم خدا را به‌ یاد شما می‌آورم).

مراد پیامبر ص از اهل بیت: همسران و خویشاوندانش از بنی هاشم است، راجع به‌ اهل بیتش خدا را به‌ یاد مردم می‌آورد که‌ نسبت به‌ آنها با مهربانی و نیکوکارانه‌ رفتار نمایند، آنها را اذیت و آزار نرسانند و تا وقتی که‌ بر دین اسلام ماندگار باشند و از شریعت الهی تبعیت نمایند حقوق آنها را بپردازند.

و باز آمده‌([[50]](#footnote-50)) که‌:

س: کلمه‌ «یا سید فلان» در میان ما به‌ وفور استعمال می‌شود، زیرا شخص مخاطب با خانواده‌ی مشخصی فامیل می‌باشد، آیا این حرف صحیح است؟

ج: اگر با این نام شناخته‌ شده‌ باشد اشکالی ندارد؛ زیرا کلمه‌ی «سید» برای رئیس، فقیه‌، دانشمند و نسل فاطمه‌ از فرزندان حسن و حسین استعمال می‌شود و در میان مردم رایج گشته‌ است. لازم به‌ ذکر است که‌ عرب رئیس قوم خود را «ساده‌» می‌نامند. و پیامبر ص نیز از اعرابهای اطراف مدینه‌ که‌ به‌ خدمتش می‌رسیدند، می‌پرسید: ای بنی فلان سید شما کیست؟ یعنی رئیس شما کیست؟

و پیامبر ص راجع به‌ حسن فرمود: «إن ابني هذا سید، ولعل الله‌ أن یصلح به‌ بین فئتین عظیمتین من المسلمین...».

( این فرزند من سید است و امید دارم که‌ خداوند به‌ وسیله‌ی او میان دو گروه‌ بزرگ از مسلمانان صلح و آشتی برقرار نماید).

این عقیده‌ی شیخ محمد بن عبدالوهاب است که‌ از کتاب خدا و سنت پیامبر ص استنباط نموده‌ و بدان باور داشت و آن را در کتابهایش منتشر می‌نمود، و همه‌ی پیروان و دوستدارانش نیز همین عقیده‌ را دنبال کردند و از آن پیروی نمودند، اینک امام معاصر با کمال وضوح و روشنی تصریح می‌نماید و می‌گوید:

شیخ محمد : و پیروان تلاشگر ایشان اهل بیت پیامبر ص را دوست داشته‌ و قائل به‌ فضل آنها می‌باشند، ایشان با توسل به‌ محبت اهل بیت و دعای مغفرت، رحمت و رضایت برای افرادی همچون عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر ص و فرزندان ایشان، و افرادی همچون خلیفه‌ی چهارم علی بن ابی‌طالب و فرزندان ایشان (حسن و حسین و محمد ن) و سایر اهل بیت که‌ در توحید، اطاعت از خدا و بزرگداشت شریعت الهی رهرو آنها بوده‌اند، با محبت آنها به‌ خداوند تقرب می‌جویند.

# محبت اهل بیت پیامبر ص یکی از اصول اهل سنت و جماعت است

علامه‌ شیخ محمد بن عثیمین : می‌گوید: ... ظاهرا کلمه‌ی «سید» برای نسل پیامبر ص یعنی فرزندان فاطمه‌ ك از دختر و پسر استعمال می‌شود. و کلمه‌ی «شريف» نیز برای آنها بکار برده‌ می‌شود، و برخی اوقات کلمه‌ی «شریف» برای هاشمی استفاده‌ می‌شود([[51]](#footnote-51)).

و گفته‌: اهل بیت پیامبر ص عبارتند از؛ همسران ایشان و همه‌ی خویشاوندانش که‌ زکات بر آنها حرام است، امثال: خاندان علی، جعفر، عباس و ... ؛ و آنچه‌ واجب است که‌ در برابر آنها انجام شود محبت، احترام و بزرگداشتشان می‌باشد، زیرا آنها به‌ خدا ایمان داشتند و از خویشان پیامبر ص می‌باشند و پیامبر ص راجع به‌ آنها چنین توصیه‌ فرموده‌: «أذکّرکم الله‌ في أهل بیتي».

(راجع به‌ اهل بیتم خدا را به‌ یاد شما می‌آورم).

و به‌ خاطر اینکه‌ محبت و بزرگداشت آنها نشانه‌ی ایمان است؛ زیرا پیامبر ص فرمودند: «والله‌ لا یؤمنون حتى یحبوکم لله‌ ولقرابتي».

(به‌ خدا سوگند تا وقتی که‌ شما را به‌ خاطر خدا و به‌ خاطر خویشاوندی با من دوست نداشته‌ باشند، ایمانشان کامل نخواهد شد)([[52]](#footnote-52)).

و باز در شرح «لمعة الاعتقاد» بیان می‌دارد: این چهار نفر خلفای هدایت یافته‌ و هدایت دهنده‌ای هستند که‌ پیامبر ص در حق آنها فرمود: «علیکم بسنتي، وسنة الخلفاء الراشدین من بعدي، عضوا علیها بالنواجذ».

(به‌ سنت من و سنت خلفای هدایت‌یافته‌ی هدایت‌دهنده‌ی بعد از من چنگ فرا زنید و آن را محکم با دندان بن خود بگیرید)([[53]](#footnote-53)).

و باز در همان نوشتار بیان داشته‌: حسن، حسین و ثابت بن قیس نیز از کسانی هستند که‌ پیامبر ص برای آنها گواهی بهشت دادند.

پیامبر ص فرمودند: «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة»([[54]](#footnote-54)).

(حسن و حسن سید و رئیس جوانان اهل بهشت هستند).

و خطاب به‌ ثابت بن قیس فرمودند: «إنک لست من أهل النار، ولکنک من أهل الجنة»([[55]](#footnote-55)).

(شما از اهل دوزح نيستى، بلكه از اهل بهشتى).

حسن نوه‌ و ریحانه‌ی پیامبر ص است، ایشان امیر مؤمنان بن امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب هستند، در 15 رمضان سال سوم هجری چشم به‌ دنیا گشودند و در ربیع الاول سال (50 هـ) در شهر مدینه‌ وفات فرمودند و در قبرستان بقیع دفن شدند.

و حسین نیز نوه‌ و ریحانه‌ی پیامبر ص است، ایشان فرزند علی بن ابی‌طالب هستند، در شعبان سال (4 هـ) چشم به‌ دنیا گشودند و در (10 محرم سال 61 هـ) در کربلا به‌ درجه‌ی شهادت نائل آمدند([[56]](#footnote-56)).

و بیان داشته‌: ما بر محبت این اصحاب خدا را گواه می‌گیریم، و با زبانمان به‌ نحو شایسته‌ای آنها را تمجید می‌نماییم؛ و از آن دو منهج گمراه تبرئه‌ می‌جوییم: منهج روافضی که‌ در حق اصحاب ناسزا می‌گویند و راجع به‌ اهل بیت افراط می‌نمایند؛ و منهج نواصبی که‌ اهل بیت را مورد دشمنی و کینه‌ خود قرار می‌دهند، و معتقدیم که‌ اگر اهل بيت از اصحاب باشند، سه‌ حق را دارند: حق ایمان، حق صحابه‌ بودن و حق خویشاوندی با پیامبر ص([[57]](#footnote-57)).

و در همان نوشته‌ در شرح قول مصنف که‌ گفته‌: «و اهل بیت پیامبر ص را دوست دارند» می‌گوید:

یعنی: و از جمله‌ اصول اهل سنت و جماعت این است که‌ به‌ خاطر دو ویژگی اهل بیت را دوست دارند: یکی: ایمان و دیگری: خویشاوندی با پیامبر ص، و هرگز آنها را مورد نفرت قرار نمی‌دهند.

بنابر این محبت علی از طریق تنفر و نفرت از ابوبکر و عمر م ممکن نیست، تا اینکه‌ چنان تلقی شود که‌ ابوبکر و عمر با علی دشمن بوده‌اند، با وجود اینکه‌ به‌ تواتر رسیده‌ است که‌ علی بر منبر آنها را می‌ستود.

می‌گوییم: ما بر محبت اهل بیت پیامبر ص و خویشاوندی ایشان خدا را گواه می‌گیریم، آنها را به‌ خاطر محبت خدا و رسولش مورد محبت و مودت خویش قرار می‌دهیم.

عباس وقتی که‌ شکایت دوری قریش از بنی هاشم را نزد پیامبر ص برد، در جواب فرمودند: «والذي نفسي بیده‌‌ لا یؤمنون حتى یحبوکم لله‌ ولقرابتي».

(سوگند به‌ کسی که‌ جان من در دست او است تا وقتی که‌ شما را به‌ خاطر خدا و به‌ خاطر خویشاوندی با من دوست نداشته‌ باشند، ایمانشان کامل نخواهد شد).

پیامبر ص سوگند یاد نمودند که‌ ایمانشان کامل نخوهد شد تا وقتی که‌ به‌ خاطر خدا آنها (اهل بیت)را دوست نداشته‌ باشند، این نوع از محبت سایر مسلمانان نیز با آنها مشارکت دارند، زیرا بر هر مسلمانی واجب است که‌ به خاطر خدا سایر مسلمانان را دوست داشته‌ باشد، اما وقتی فرمودند: «و به‌ خاطر خویشاوندی با من» این یک محبت اضافی است که‌ علاوه‌ بر محبت و مودت به‌ خاطر خدا تنها شامل اهل بیت پیامبر ص می‌باشد.

پس عقیده‌ی اهل سنت و جماعت راجع به‌ اهل بیت عبارت است از اینکه‌: آنها را دوست داشته‌ و ولایت آنها را پذیرفته‌ و وصیت پیامبر ص در خصوص آنها را اجرا می‌نمایند. و مقام و منزلتی ما فوق منزلت واقعی را به‌ آنها نمی‌دهند، بلکه‌ از کسانی تبرئه‌ می‌جویند که‌ در حق آنها تا حد الوهیت افراط نموده‌اند([[58]](#footnote-58)).

و در «منهاج أهل السنة والجماعة» می‌گوید: ... اهل سنت و جماعت نیز می‌گویند: برخی از اصحاب دارای امتیازاتی ویژه‌ هستند و لازم است که‌ آنها را در مقام خود قرار داد، بنابر این اصحابی که‌ از اهل بیت پیامبر ص هستند، امثال: علی بن ابی طالب، حمزه‌، عباس، ابن عباس و ... از نظر ما - به‌ خاطر قرابتی که‌ با پیامبر ص دارند- محبوب‌تر از سایر اصحاب می‌باشند.

تا آنجا که‌ می‌گوید: اهل سنت و جماعت همانند روافض در خصوص اهل بیت افراط نمی‌کنند، و همانند نواصب نیز با آنها به‌ جنگ و عداوت نمی‌پردازند، بلکه‌ در میان آن دو منهجی میانه‌ را دنبال می‌کنند، و به‌ خاطر قرابتی که‌ با پیامبر ص دارند حق آنها را شناخته‌ و منزلت و مقام واقعی را بدانها می‌دهند([[59]](#footnote-59)).

و در شرح بیت شماره‌ 184 کتاب «شرح السفارینیه‌» می‌گوید: ... ما به‌ دو دلیل مؤمنان اهل بیت را دوست داریم، یکی اینکه‌ مؤمن هستند، دیگری اینکه‌ با پیامبر ص خویشاوند هستند، و از این رو آنها را بر دیگران برتری می‌دهیم، اما به‌ طور مطلق آنها را از فضیلت برخوردار نمی‌نماییم، بلکه‌ منزلت و مقام واقعی را برایشان در نظر می‌گیریم، آنها (اهل بیت) نیز کاملا بدان راضی هستند، زیرا امیر المؤمنین علی بن ابی‌طالب که‌ امام اهل بیت است بر منبر کوفه‌ اعلام می‌داشت: «خیر هذه‌ الأمة بعذ نبیها أبوبکر ثم عمر».

(بعد از پیامبر ص ابوبکر سپس عمر بهترین خلق خدا می‌باشند).

و در شرح بیت شماره‌ (151) راجع به‌ روافض و نواصب می‌گوید: ... چه‌ کسی از گروهی فرمانبرداری می‌کند که‌ با اهل بیت دشمنی می‌ورزند؟

چه‌ کسی از آنها فرمانبرداری می‌نماید که‌ در حق علی بن ابی‌طالب ناسزا می‌گوید؟

همه‌ی مردم از بینش و رفتار آنها تنفر می‌نماید...

و باز می‌گوید: کسان دیگری هستند که‌ بر عکس گروه‌ قبلی با اهل بیت و در رأس آنها علی بن ابی‌طالب دشمنی و عداوت می‌ورزند، و پناه بر خدا در حق آنها ناسزا می‌گویند و از آنها نفرت می‌جویند، اینها نیز به‌ حق اهل بیت تجاوز کرده‌اند؛ وای به‌ حال هر دو گروه‌: چه‌ اینها و چه‌ آنها...

و تحت آن گفته‌: علی بن ابی‌طالب با توجه‌ به‌ ذکاوت و دانش گسترده‌ای که‌ داشتند شهرت کسب کرده‌ بود.

و در شرح اربعین نووی تحت حدیث شماره‌ (11) می‌گوید: از ابی محمد بن حسن بن علی نوه‌ی رسول خدا ص و فرزند دختر پیامبر ص که‌ فرزند بزرگ ایشان می‌باشد؛ پیامبر ص او را تمجید نمود و فرمود: «إنَّ ابني هذا سید، وسیصلح الله‌ به‌ بین فئتین من المسلمین».

(این فرزند من سید است و خدا به‌ وسیله‌ی او میان دو دسته‌ از مسلمانان صلح و آشتی برقرار می‌نماید).

پس خداوند به‌ وسیله‌ی او میان دو گروه‌ متنازع و دارای اختلاف صلح و آشتی برقرار نمود، آنگاه که‌ برای معاویه‌ بن ابی‌سفیان از خلافت تنازل نمودند، و با انجام این کار به‌ سیادت دست یافتند.

خواننده‌ی گرامی به‌ سخنان این امام : توجه‌ کن که‌ می‌فرماید: ما بر محبت اهل بیت و قرابت ایشان با پیامبر ص، خدا را گواه می‌گیریم. حال صادقانه‌ از خود سؤال کن و بپرس: آیا بعد از این نیز، دلیل دیگری برای محبت اهل سنت و جماعت – که‌ محمد بن عبدالوهاب و پیرانش نیز از آنها هستند- نسبت به‌ اهل بیت ‡ لازم و ضروری است؟!!

# کتابی راجع به‌ فضیلت و دانش اهل بیت ‡

شیخ محمد بن علامه‌ عبدالرحمن بن قاسم نجدی : راجع به‌ موقف و موضع اهل سنت و جماعت در برابر اهل بیت پیامبر ص کتاب جداگانه‌ای را به‌ رشته‌ی تحریر درآورده‌ است و آن را «آل رسول الله‌ ص وأولیاؤه‌» نام داده‌ است، ایشان در ضمن آن کتاب راجع به‌ عقائد، فضائل، فقه‌ و فقهای اهل بیت بحث رانده‌ است. ایشان آن را از کتاب «منهاج السنه النبویه‌» نوشته‌ی ابن تیمیه‌ : خلاصه‌ نموده‌ است.

این نیز نشانه‌ی نهایت محبت، موالات، بزرگداشت و محبتی صادقانه‌ نسبت به‌ اهل بیت پیامبر ص می‌باشد.

# علی، فاطمه‌، حسن و حسین ﻹ فاضل‌ترین اهل بیت می‌باشند

شیخ عبدالعزیز سلمان : می‌گوید: اهل بیت پیامبر ص کسانی هستند که‌ صدقه‌ بر آنها حرام می‌باشد، آنها هم عبارتند از: خاندان علی، جعفر، عباس و حارث بن عبدالمطلب و طبق مضمون آیه‌ی سوره‌ی احزاب همسران پیامبر ص نیز جزو اهل بیت ایشان هستند؛ اما علی ، فاطمه‌، حسن و حسین که‌ پیامبر ص آنها را زیر عبای خود قرار داد و دعایی مخصوص در حق آنها خواند از همه‌ی اهل بیت فاضل‌تر هستند... تا آنجا که‌ گفت: قحطانی در حق آنها چنین سروده‌‌:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| أکرم بفاطمة البتول وبعلها غصنان أصلهما بروضة أحمد |  | وبمن هما لمحمد سبطان لله‌ درّ الأصل والغصنان |

(از فاطمه‌ی پاکدامن و همسرش و از نوه‌های محمد ص احترام بگیر؛ نوه‌های پیامبر ص دو شاخه‌ هستند که‌ اصل آنها باغچه‌ی احمد است، زیبایی اصل و شاخه‌ از آن خدا است).

اهل سنت نسبت به‌ اهل بیت پیامبر ص نهایت محبت، احترام و بزرگداشت را انجام می‌دهند، زیرا آنها از خویشان پیامبر ص و مسلمان هستند و به‌ خاطر یاری رسانی به‌ دین خدا مورد امتحان و آزمایش الهی قرار گرفتند، پس احترام و نیکی در حق آنها، احترام و بزرگداشتن در حق پیامبر ص است ... ([[60]](#footnote-60)).

آری این یکی از پیروان شیخ محمد بن عبدالوهاب است که‌ اعلام می‌دارد محبت و احترام و بزرگداشت اهل بیت ﻹ و در رأس آنها علی، فاطمه‌، حسن و حسین ﻹ واجب است.

# علی بن ابی‌طالب عاقل‌ترین، ماهر‌ترین، داناترین و حافظ‌ترین اصحاب است

شیخ عبدالله‌ بن جبرین می‌گوید: ... علی بن ابی‌طالب عاقل‌ترین و ماهرترین انسان می‌باشد، ایشان به‌ شجاعت و دلیری شهرت داشتند، دوران کودکی را زیر نظر پیامبر ص سپری نمودند، در ابتدای نزول وحی نوجوانی نونهال بودند، او نخستین کودکی است که‌ به‌ پیامبر ص ایمان آورد، سپس از همان اوائل (قبل از هجرت) به‌ پیامبر ص پیوست، اما به‌ خاطر اینکه‌ کودک و کم سن و سال بود و به‌ دین اسلام ایمان داشت، نتوانستند از پیامبر ص دفاع نمایند، و هنگامی که‌ پیامبر ص همراه ابوبکر هجرت نمود، علی را جای خود جاگذاشت و او را بر رختخواب خود خواباند، سپس بعد از هجرت با فاطمه‌ ازدواج نمود و فرزندانی همچون: حسن، حسین، محسن و ام کلثوم را برای او به‌ دنیا آورد و فاطمه‌ نیز بعد از شش ماه از فوت پدرش وفات فرمودند، علی بعد از فوت فاطمه‌ با زنان دیگری ازدواج نمود و خداوند از آنها نیز فرزندان دیگری را به‌ او عطا کرد، و بعد از شهادت عثمان مردم با او بیعت نمودند و او را به‌ عنوان خلیفه‌ انتخاب کردند، اما اهل شام بر علیه‌ او شورش کردند و قاتلین عثمان را از او مطالبه‌ می‌کردند و برخی از اصحاب نیز علیه‌ او قیام کردند و به‌ خاطر انتقام از قاتلین عثمان راهی عراق شدند، از این رو در دوران خلافت ایشان فتنه‌ و آشوبهای زیادی به‌ وقوع پیوست و نتوانستند خلافت را به‌ اتمام برسانند.

علی جز در غزوه‌ی تبوک که‌ به‌ عنوان سرپرست خانوده‌ی پیامبر ص جا ماند، در سایر غزوه‌ها همراه پیامبر ص بودند، پیامبر ص در سال نهم هجری بعد از ابوبکر او را فرستاد تا که‌ أمان و تعلیمات را به‌ حجاج ابلاغ نماید.

و از نظر علم و فقه‌ از همه‌ی اصحاب داناتر و دارای حافظه‌ای قوی‌تر بودند، از این رو اگر علم و دانش ایشان خلاصه‌ می‌گشت، خیر و برکت زیادی را در بر داشت، زیرا ایشان از منقولات و دلایل استفاده‌ می‌کرد، پس اگر نصی را نمی‌یافت خود اجتهاد می‌کرد و نظر می‌داد، همچنانکه‌ در قضیه‌ی «زبیه‌» و ... بنا به‌ اجتهاد خود فتوی را صادر نمود([[61]](#footnote-61)).

و در شرح «لمعة الاعتقاد: ص-171» چنین بیان می‌دارد: و به‌ بهشتی بودن کسانی همچون حسن و حسن که‌ پیامبر ص در حق آنها گواهی بهشت داده‌، ما نیز گواهی می‌دهیم.

و باز بیان داشته‌: ... خلاصه‌ اینکه‌ اهل سنت در صدد کسب رضایت اهل بیت نهایت تلاش خود را انجام می‌دهند و سفارش پیامبر ص در حق آنها را به‌ جا می‌آورند که‌ فرمود: «أذکّرکم الله‌ في أهل بیتي»([[62]](#footnote-62)). (راجع به‌ اهل بیتم خدا را به‌ یاد شما می‌آورم).

و آنها در این خصوص از نقص عقیده‌ و ایمانشان نیز واهمه‌ دارند، نظر به‌ اینکه‌ پیامبر ص ضمن روایت زیر راجع به‌ اهل بیت، امتش را تهدید نمودند، آنگاه که‌ عباس دوری قریش از بنی‌هاشم را برایش بازگو نمود، فرمودند: «والذي نفسي بیده‌‌ لا یؤمنون حتى یحبوکم لله‌ ولقرابتي»([[63]](#footnote-63)).

(سوگند به‌ کسی که‌ جان من در دست او است تا وقتی که‌ شما را به‌ خاطر خدا و به‌ خاطر خویشاوندی با من دوست نداشته‌ باشند، ایمانشان کامل نخواهد شد)([[64]](#footnote-64)).

کسانی که‌ علی را دوست دارند اهل سنت و جماعت می‌باشند

شيخ صالح الفوزان در معرض گفتار شيخ الاسلام ابن تيميه در شرح عقيده واسطيه می‌گويد: آنجا که‌ شیخ الاسلام بیان داشته‌: و اهل بیت پیامبر ص را دوست دارند و ولایت آنها را پذیرفته‌ و آن توصیه‌ی پیامبر ص راجع به‌ آنها را مراعات می‌نمایند که‌ در غدیر خم فرمود: «أذکّرکم الله‌ في أهل بیتي»([[65]](#footnote-65)).

(راجع به‌ اهل بیتم خدا را به‌ یاد شما می‌آورم).([[66]](#footnote-66))

شیخ صالح الفوزان راجع به‌ این سخن شیخ الاسلام گفته‌: شیخ السلام : در این سخن خود منزلت اهل بیت از منظر اهل سنت و جماعت را بیان داشته‌ و اعلام نموده‌ که‌ آنها اهل بیت پیامبر ص را دوست دارند.

اهل بیت: خاندان پیامبر ص یعنی کسانی که‌ صدقه‌ بر آنها حرام است اهل بیت نامیده‌ می‌شوند، که‌ عبارتند از: خاندان علی، جعفر، عقیل، عباس، حارث بن عبدالمطلب، همسران پیامبر ص و دخترانش. همانگونه‌ که‌ خداوند راجع به‌ آنها می‌فرماید: ﭽ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐﭼ (الأحزاب: ٣٣). «خداوند قطعاً مي‌خواهد پليدي را از شما اهل بيت (پيغمبر) دور كند و شما را كاملاً پاك سازد».

اهل سنت آنها را دوست داشته‌ و نسبت به‌ آنها نهایت احترام و بزرگداشت را رعایت می‌نمایند، زیرا احترام از آنها احترام از پیامبر ص است و همچنین خدا و رسولش بدان (احترام از اهل بیت) دستور داده‌اند؛ خداوند می‌فرماید: ﭽ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣﭼ (الشورى: ٢٣).

«در برابر آن از شما پاداش و مزدي نمي‌خواهم مگر آن كه به خاطر خويشاوندي‌ام مرا دوست داشته باشيد(يعني‌: بلكه‌ آنچه‌ از شما مي‌طلبم، مودت‌ و دوستي‌ در قرابت‌ و نزديكي‌ نسبي‌اي‌ است‌ كه‌ ميان‌ من‌ و شما وجود دارد، پس‌ فقط صله‌ و پيوندي‌ را كه‌ ميان‌ من ‌و شما وجود دارد، در نظر آوريد و همان‌ را رعايت‌ كنيد و اگر فقط اين‌ را در نظرداشته‌ باشيد، بر من‌ عجولانه‌ نمي‌تازيد و ميان‌ من‌ و مردم‌ را خالي‌ كرده‌ و اجازه‌ مي‌دهيد كه‌ اين‌ دعوت‌ را به‌ آنان‌ برسانم‌)».

و راجع به‌ محبت اهل بیت روایاتی از پیامبر ص نقل شده‌ - از جمله‌ آنچه‌ شیخ بدان اشاره‌ نمود- که‌ بیان می‌دارد در صورت التزام، استقامت و پایدار ماندنشان بر سنت پیامبر ص، لازم است مورد محبت و مودت قرار بگیرند [همانند: عباس و فرزندانش و علی و فرزندانش]. اما در صورتی که‌ با سنت و اخلاق دینی مخالفت ورزیدند و از آن روی گرداندند محبت آنها به‌ هیچ وجه‌ جایز نیست، اگر از اهل بیت نیز باشند.

«ولایت آنها را پذیرفته»:‌ یعنی آنها را دوست دارند. و «توصیه‌ی پیامبر ص راجع به‌ آنها را مراعات می‌نمایند»: یعنی بدان عمل نموده‌ و آن را تطبیق می‌نمایند.‌ «در غدیر خم فرمود»: «غدیر» در اینجا به‌ معنی استخر و رودخانه‌ است. راجع به‌ «خم» نیز گفته‌اند: نام مردی است که‌ غدیر را بدان نسبت می‌دهند، و یا گفته‌اند: خم به‌ معنی درختان در ‌هم آمیخته‌ است و از این رو غدیر بدان نسبت داده‌ شده‌ که‌ در آن واقع شده‌ است.

وقتی که‌ پیامبر ص از حجة الوداع به‌ طرف مدینه‌ بازگشت و به‌ این رودخانه‌ رسید، خطبه‌ای را ارائه‌ داد که‌ ضمن آن به‌ روایت زیر اشاره‌ نمود: «أذکّرکم الله‌ في أهل بیتي».

یعنی: راجع به‌ اهل بیتم دستوراتی را به‌ یاد شما می‌آورم که‌ خدا بدان دستور داده‌ است، اینکه‌ آنها را مورد احترام، اکرام و بزرگداشت قرار دهید و حقشان را پایمال ننمایید.

و وقتی که‌ عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف به‌ او خبر داد که‌ برخی از قریش صله‌ی رحم را در حق آنها ترک کرده‌ و با آنها نیکی نمی‌کنند، پیامبر ص فرمود: «والذي نفسي بیده».‌‌ (سوگند به‌ کسی که‌ جان من در دست او است) «لا یؤمنون» (ایمانشان کامل نخواهد شد). «حتى یحبوکم لله‌ ولقرابتي» (تا وقتی که‌ شما را به‌ خاطر دست‌یابی به‌ دو چیز دوست نداشته‌ باشند:

نخست: به‌ خاطر خدا؛ زیرا اهل بیت، اولیا و دوستان خدا هستند.

دوم: به‌ خاطر خویشاوندی با پیامبر ص، زیرا دوست داشتن آنها راهی است برای کسب رضایت پیامبر ص و احترام از ایشان).

پیامبر ص فرمود: «إنَّ الله‌ اصطفى بني إسماعیل واصطفى من بني إسماعیل کنانة واصطفی من کنانة قریشاً، واصطفى من قریش بني ‌هاشم، واصطفاني من بني ‌هاشم».

خداوند فرزندان اسماعیل بن ابراهیم ؛ را انتخاب کرد و از میان فرزندان اسماعیل قبیله‌ی کنانه‌ بن خزیمه‌ را انتخاب نمود و از قبیله‌ی کنانه‌ طایفه‌ی قریش (فرزندان مضر بن کنانه)‌ را انتخاب نمود و از قریش نیز بنی‌هاشم (فرزندان هاشم بن عبدمناف) را انتخاب کرد و از میان بنی‌هاشم نیز مرا (محمد بن عبدالله‌ بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان) برگزید.

این حدیث بیانگر آن است که‌: عرب بر سایر مردم برتری دارند و از میان عرب قریش بر همه‌ برتری دارد، و از میان قریش نیز بنی‌هاشم بر سایر طایفه‌ها برتری دارد، و پیامبر ص از همه‌ی بنی هاشم افضل‌تر است؛ پس شخص پیامبر ص از همه‌ی مردم بزرگتر و نسب ایشان نیز بر سایر ملتها برتری دارد از این رو بنی‌هاشم که‌ از خویشان پیامبر ص هستند داری فضیلتی ویژه‌ می‌باشند.

و در مقدمه‌ی کتاب «شیخ الاسلام ابن تیمیه لم یکن ناصبیا» می‌گوید: کسانی که‌ علی را دوست دارند اهل سنت و جماعت می‌باشند، آنها (اهل سنت و جماعت) ایشان (علی ) را همانند خلیفه‌ی چهارم از خلفای راشدین و یکی از سابقین اولین و یکی از ده نفری که‌ در این دنیا مژده‌ی بهشت را دریافت نمودند، حساب می‌نمایند([[67]](#footnote-67)).

و در شرح آیه‌ی زیر که‌ خداوند فرموده‌: ﭽ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭼ (الشورى: ٢٣). (ترجمه آن گذشت).

می‌گوید: قول سوم: مراد از کلمه‌ی «قربی» اهل بیت ﻹ می‌باشند، که‌ پیامبر ص از امت اسلامی خواسته‌ آنها را مورد محبت و احترام و اکرام قرار دهند، و این، یک حق است که‌ باید در برابر آنها انجام داده‌ شود، زیرا امت اسلامی در برابر افراد صالح و پایدار بر دین خدا از اهل بیت پیامبر ص حقی دارند که‌ باید آن را مراعات نمایند و به‌ مقتضای شریعت اسلامی آنها را مورد محبت، مودت، احترام و بزرگداشت قرار دهند([[68]](#footnote-68)).

و در تعلیقات مختصر خود بر طحاویه‌ می‌گوید: این موقف مسلمانان در برابر اصحاب پیامبر ص می‌باشد، از خدا برای آنها طلب مغفرت نموده‌ و خواهان این هستند که‌ خداوند نسبت به‌ اصحاب و اهل بیت کینه‌ای در دلشان قرار ندهد، زیرا اهل بیت حق خویشاوندی با پیامبر ص و حق ایمان را بر مسلمانان دارند و مذهب اهل سنت و جماعت این است که‌: اهل بیت پیامبر ص را دوست داشته‌ و ولایت آنها را مراعات می‌نمایند.

اما نواصب: ولایت اصحاب را رعایت می‌نمایند و نسبت به‌ اهل بیت پیامبر ص بغض و کینه‌ را به‌ دل دارند، از این رو نواصب نامیده‌ شده‌اند که‌ دشمنی و عداوت با اهل بیت پیامبر ص را بر پیشانی خود نصب نموده‌اند([[69]](#footnote-69)) .

و باز گفته‌: همسران پیامبر ص نخستین افراد اهل بیت ‡ هستند؛ خداوند متعال در خطاب به‌ همسران پیامبر ص می‌فرماید: ﭽ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﭼ (الأحزاب: ٣٣).

(خداوند قطعاً مي‌خواهد پليدي را از شما اهل بيت (پيغمبر) دور كند و شما را كاملاً پاك سازد).

بنابر این نخستین افرادی که‌ تحت اهل بیت قرار می‌گیرند عبارتند از: همسران پیامبر ص سپس خویشاوندانش از خاندان عباس، ابوطالب و خاندان حارث بن عبدالمطلب([[70]](#footnote-70)).

و باز گفته‌: برتری میان مهاجرین نیز وجود دارد: برترین همه‌ی اصحاب به‌ طور اطلاق خلفای راشدین (ابوبکر، عمر، عثمان و علی) می‌باشند، اینها به‌ طور مطلق بر سایر اصحاب برتری دارند([[71]](#footnote-71)).

و باز گفته‌: ... علی بن ابی‌طالب: خلیفه‌ی چهارم، پسر عموی پیامبر ص، همسر فاطمه‌ دختر پیامبر ص و پدر حسن و حسین دو نوه‌ی پیامبر ص و دو سید جوانان اهل بهشت است، جهاد، شجاعت، عبادت، علم، زهد و ... ایشان مشهور و معروف می‌باشد([[72]](#footnote-72)).

و گفته‌: پیامبر ص برای حسن و حسین گواهی دادند که‌ اهل بهشت می‌باشند: «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة»([[73]](#footnote-73)).

(حسن و حسین سید جوانان اهل بهشت هستند)([[74]](#footnote-74)).

و راجع به‌ صلح حسن بن علی با معاویه‌ بن ابی‌سفیان م می‌گوید: پیامبر ص ضمن نقل معجزه‌ای به‌ این قضیه‌ اشاره‌ نمود، آنجا که‌ فرمود: «إنَّ ابني هذا سید، وسیصلح الله‌ به‌ بین فئتین عظیمتین من المسلمین»([[75]](#footnote-75)).

(این فرزند من سید است و خدا به‌ وسیله‌ی او میان دو دسته‌ از مسلمانان صلح و آشتی برقرار می‌نماید).

حسن بن علی با تنازلی که‌ در برابر معاویه‌ بن ابی‌سفیان انجام داد مصالح هنگفتی را برای مسلمانان بازگرداند... ([[76]](#footnote-76)).

و گفته‌: زید بن علی یکی از ائمه‌ی اهل بیت است؛ و جعفر صادق : نیز از علمای اهل سنت و علمای سلف می‌باشد.

شیخ – حفظه‌الله‌- ضمن این عبارات فراوان به‌ طور واضح و روشن عقیده‌ی اهل سنت و جماعت را در برابر اهل بیت ﻹ بیان می‌دارد و صریح و روشن می‌گوید: کسانی که‌ علی را دوست دارند اهل سنت و جماعت می‌باشند.

آیا بعد از تمام آنچه‌ که‌ بیان داشتیم باز راهی برای دشمنان این دعوت مبارک باقی مانده‌ تا با زشت‌ترین تهمتها (تنفر از اهل بیت پیامبر ص) آنها را متهم نمایند.

ﭽﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﭼ (الإسراء: ٨١).

«و بگو: حق آمد، و باطل نابود شد; يقينا باطل نابود شدنى است».

# خاتمه

در اینجا قلم از نوشتن باز ایستاد و امیدوارم که همراه با آن هرگونه دروغ و اتهام در برابر این شیخی که تمام حیاتش را برای دفاع از دین اسلام، حفظ مقام توحید، اخلاص عبادت برای خداوند متعال، دور انداختن شرک و دشمنی با اصحاب پیامبر و تحقیق توحید و محبت موحدان به کار بست، متوقف شود.

در اینجا روی سخنم را متوجه هر مسلمانی مى‏كنم که با عقل و فکرش از تبعیت مذموم دوری مى‏جوید و از تقلید کورکورانه خود را می‌رهاند، و خطاب به‌ او می‌گویم: تنها چیزی که‌ از شما خواسته مى‏شود این است که به‌ نوشته‌ و کتابهای این نویسنده مراجعه‌ نمایید که‌ بسیاری از مردم در حق او بى‏ادبی را نشان داده،‌ و بسیاری نیز به‌ مقام و منزلت وی پی برده‌اند.

عبارات و سخنان آنها بیانگر این است که‌ آنها نسبت به‌ اهل بیت کرام نهایت محبت، مودت و احترام داشته‌ و با شناختی کامل نسبت به‌ اهل بیت از حقوق آنها دفاع نموده‌ و از فضائل و مناقب آنها بحث می‌نمایند و دشمنان نواصب و... آنها را مورد نکوهش قرار می‌دهند.

خواننده‌ی گرامی! اینک چند نوشته‌ را به‌ شما معرفی می‌کنم: کتاب «التوحید»، «کشف شبهات»، «اصول سه‏گانه»، «قواعد چهارگانه»، «نواقض اسلام»، «آداب رفتن به نماز» و... سایر نوشته‌ و کتاب و فتاواهای ایشان و سایر دعوتگران این منهج مبارک بعد از ایشان مى‏باشد.

آنچه را که مى‏خوانی در کنار قرآن و سنت صحیح پیامبر ص قرار بده، و با نگرشی منتقدانه‌ بدان نگاه کن که‌ آیا چیزی مخالف کتاب و سنت را در آن می‌یابی؟

عقیده‌ی شیخ محمد بن عبدالوهاب و فرزندان و پیروانش نسبت به‌ اهل بیت پیامبر ص خارج از وصیت پیامبر ص و رفتار سلف صالح با آنها نیست و نهایت محبت، مودت و رعایت حقوق را در برابر آنها به‌ جاى می‌آورند.

آری آنها مطابق منهج شریعت اسلام رفتار می‌نمایند؛ همانند نواصب و همراهانشان تقصیر و کوتاهی نمی‌ورزند، و همانند افراط‏گرایان و پیرانشان افراط نمی‌کنند، زیرا حق اهل بیت این نیست که‌ معصوم و مقدس خوانده‌ شوند و در برابر آنها افراط شود.

و رعایت حقوق اهل بیت مشروط به‌ این شرط است که‌ بر منهاج و سنت نبوی پایدار مانده‌ و از راه و روش او بیرون نرفته‌ باشد.

در پایان به‌ تمامی نوادگان اهل بیت می‌گویم: به‌ خدا سوگند شما را به‌ خاطر کسب رضایت الهی دوست داریم، خوشبختیم که‌ شما را دنباله‌‌رو سنت پیامبر ص می‌بینیم، بدون شک شما از سایر مردم بیشتر شایسته‌ی دفاع از عقیده‌ و سنت پیامبر ص را دارید و بر شما لازم است که‌ در راه نشر آن و برداشتن هرگونه‌ بدعتی که‌ بدان راه‌یافته‌ تلاش نمایید.

در پایان لازم می‌دانم که‌ ظهور جمعی دانشجو از میان نوادگان اهل بیت را به‌ همه‌ مژده‌ دهم که‌ با بینشی سلفی در راه تبلیغ دعوت اسلامی قدم برداشته‌اند و مراجعه‌ به‌ کتاب ارزشمند «العقیدة في أهل البیت بین الافراط والتفریط» نوشته‌ی: دکتر سلیمان سحیمی را به‌ همه‌ سفارش می‌کنم.

وصلّی الله وسلّم علی محمد و آله وصحبه

والحمد لله‌ رب العالمین

ای اهل بیت رسول خدا محبت شما طبق دستور خداوند در قرآن فرض و واجب گشته‌ است.

برای عظمت و بزرگی شما همین کافی است که‌ هر کس بر شما درود نفرستد نمازش پذیرفته‌ نخواهد شد.

1. ()– در اینجا اشکالی ندارد که اشاره‌ای مختصر به‌ نامهای فرزندان اهل بیت بیندازیم، علی سه تن از پسرانش را با نام خلفای قبل از خود (ابوبکر، عمر و عثمان) نامگذاری کرد و جای تعجب هم نیست چرا که آنان برادر و داماد یکدیگر و در میان یکدیگر مهربان بودند، همانطور که خدا آنها را توصیف کرده است . ابوبکر و عمر داماد رسول الله ص بودند، و بعد از وفات ابوبکر علی با زن بیوه‌اش (أسماء بنت عمیس) ازدواج کرد و علی دخترش (ام کلثوم) را به ازدواج عمر در آورد و پیامبر ص دو دخترش را که خواهران فاطمه زهرا بودند به ازدواج عثمان در آورد. آنگاه حسین سید جوانان بهشت پسرش را (عمر) نامید و این هیچ عجیب نیست ! مگر او (عمر) شوهر خواهرش نیست ؟! [↑](#footnote-ref-1)
2. () – الدرر السنیه، چاپ اول دارالإفتاء (12/19) و نیز كتاب: (علماء نجد، البسام) (1/155). [↑](#footnote-ref-2)
3. ()- 1/256 باب: وصیت به کتاب خداوند. [↑](#footnote-ref-3)
4. () - رواه مسلم. [↑](#footnote-ref-4)
5. () «الرسائل الشخصیة: 1/312» و «الرساله: 48». [↑](#footnote-ref-5)
6. () کلام همچنان سخن ابن تیمیه است. [↑](#footnote-ref-6)
7. () - الدرر السنیة :1/ 269- 272. [↑](#footnote-ref-7)
8. () الدرر السنیة :1/ 232- 233. [↑](#footnote-ref-8)
9. () الدرر السنیة :1/ 246. [↑](#footnote-ref-9)
10. () ج 4 ط دار العاصمة – الریاض . ص: 54. [↑](#footnote-ref-10)
11. () ص : 59. [↑](#footnote-ref-11)
12. () ص :61- 62. [↑](#footnote-ref-12)
13. () ص: 62. [↑](#footnote-ref-13)
14. () ص: 65. [↑](#footnote-ref-14)
15. () ص: 69. [↑](#footnote-ref-15)
16. () ص: 73. [↑](#footnote-ref-16)
17. () ص:79. [↑](#footnote-ref-17)
18. () ص:77. [↑](#footnote-ref-18)
19. () ص: 91. [↑](#footnote-ref-19)
20. () ص: 105. [↑](#footnote-ref-20)
21. () ص : 206. [↑](#footnote-ref-21)
22. () مجموعة الرسائل و المسائل النجدیة 1/65. [↑](#footnote-ref-22)
23. () الدرر السنیة من الأجوبة النجدیة : 1/249. [↑](#footnote-ref-23)
24. () تیسیر العزیز الحمید:1/107 . حافظ نیز همین مفاهیم را ذکر نموده‌ است. [↑](#footnote-ref-24)
25. () 1/157 [↑](#footnote-ref-25)
26. () 1/309. [↑](#footnote-ref-26)
27. () تحقیق: د. ولید بن عبدالرحمن آل فریان ط. دار الصمیعی (1/429). [↑](#footnote-ref-27)
28. () 2/ 674 [↑](#footnote-ref-28)
29. () الدرر السنیة 1/ 208. [↑](#footnote-ref-29)
30. () ایشان دانشمندی فهیم و دعوتگر شاعر هستند و اهل منطقه عسير جنوب جزیره‌ عربی می‌باشند که‌ در سال 1349 هـ وفات فرمودند. [↑](#footnote-ref-30)
31. () الدرر السنیة: 1/ 59. [↑](#footnote-ref-31)
32. () تحقیق : عبدالسلام آل عبدالکریم ط: دار العاصمة 1421 هـ ( ص: 552). [↑](#footnote-ref-32)
33. () مسلم 2408. [↑](#footnote-ref-33)
34. () الحجج الواضحة الإسلامیة . تحقیق: محمد الفوزان ط: مکتبة الرشد 1420 هـ، ص:312. [↑](#footnote-ref-34)
35. () التنبیهات الطیفة فیما احتوت علیه‌ العقیدة الواسطیة من المباحث المنیفة ( ص:121). [↑](#footnote-ref-35)
36. () مجموع فتاوی و رسائل الشیخ محمد بن ابراهیم ( 3/32). [↑](#footnote-ref-36)
37. () مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (5/13). [↑](#footnote-ref-37)
38. () مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (5/172). [↑](#footnote-ref-38)
39. () مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (10/121). [↑](#footnote-ref-39)
40. () مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (9/74). [↑](#footnote-ref-40)
41. () مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (13/120-121). [↑](#footnote-ref-41)
42. () حاشیه‌ی شماره‌ 4 کتاب ( الروض المربع: 3/330). [↑](#footnote-ref-42)
43. () حاشیه‌ی ایشان بر کتاب التوحید. ص: 61. [↑](#footnote-ref-43)
44. () الاحتجاج بالاثر علی من أنکر المهدی المنتظر: ص :17. [↑](#footnote-ref-44)
45. () ص: 113. [↑](#footnote-ref-45)
46. () ص: 709. [↑](#footnote-ref-46)
47. () از جمله‌ سؤالهای روزنامه‌ی «المسلمون» 12/3/1417. [↑](#footnote-ref-47)
48. () مفهوم الاحادیث المتعلقة بالفتن:7/363 . [↑](#footnote-ref-48)
49. () الوصیة بکتاب الله‌ القرآن الکریم :9/14. [↑](#footnote-ref-49)
50. () مجموع فتاوی و مقالات متنوعه‌ : 9/290- 291. [↑](#footnote-ref-50)
51. () فتاوای سؤال. ج 3 ص 469. [↑](#footnote-ref-51)
52. () مجموع الفتاوی :4/307. [↑](#footnote-ref-52)
53. () مجموع الفتاوی: 5 /78-79. [↑](#footnote-ref-53)
54. () رواه الترمذی و قال حسن صحیح. [↑](#footnote-ref-54)
55. () رواه البخاری. [↑](#footnote-ref-55)
56. () مجموع الفتاوی:5/80- 81. [↑](#footnote-ref-56)
57. () شرح الواسطیة : 588 [ ط :الاولی. دار الثریا]. [↑](#footnote-ref-57)
58. () ص: 608-610. [↑](#footnote-ref-58)
59. () مجموع الفتاوی:5/204. [↑](#footnote-ref-59)
60. () الکواشف الجلیة عن معانی الواسطیة : ص: 700. [↑](#footnote-ref-60)
61. () فتاوی ابن جبرین: ص: 35-36 [ط. المکتبة التوفیقیة]. [↑](#footnote-ref-61)
62. () اخرجه‌ مسلم (2408). [↑](#footnote-ref-62)
63. () امام احمد آن را در «المسند» خود گزارش داده‌ و احمد شاکر نیز آن را صحیح شمرده‌ است. [↑](#footnote-ref-63)
64. () شرح العقیدة الواسطیة: 2/225. [↑](#footnote-ref-64)
65. () اخرجه‌ مسلم (2408). [↑](#footnote-ref-65)
66. () العقیدة الواسطیة (ص:195) ط.مکتبة المعارف. [↑](#footnote-ref-66)
67. () ص: 5 . ط. دار الوطن. [↑](#footnote-ref-67)
68. () الفتاوی:1/335. [↑](#footnote-ref-68)
69. () ص: 227 ط. دار العاصمة. [↑](#footnote-ref-69)
70. () ص: 235 [↑](#footnote-ref-70)
71. () شرح لمعة الاعتقاد لابن قدامة : ص:231 ط. اول باشراف عبدالسلام سلیمان. [↑](#footnote-ref-71)
72. () ص: 234. [↑](#footnote-ref-72)
73. () امام احمد در مسند خویش ( 10999) این روایت را گزارش داده‌ است. [↑](#footnote-ref-73)
74. () ص: 239. [↑](#footnote-ref-74)
75. () بخاری (2704) این را گزارش کرده‌ است. [↑](#footnote-ref-75)
76. () ص: 261. [↑](#footnote-ref-76)